



## Religious Charity of Iranian and Iraqi Women in the Arbaeen Pilgrimage: Towards a Rethinking of Gendered Division of Labor

Mohammad Rza Pouyafar<sup>1</sup>  | Zeynab Mohammadzadeh<sup>2</sup> 

1. Corresponding Author, Faculty Member, Department of Social Sciences, Amin University of Law Enforcement Sciences; Email: [mrpouyafar@gmail.com](mailto:mrpouyafar@gmail.com)

2. Assistant Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Law and Imam Khomeini Thought, Imam Khomeini (RA) and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran; Email: [z.mohammadzade63@gmail.com](mailto:z.mohammadzade63@gmail.com)

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

Received: 2025-12-10

Received in revised form:  
2026-02-22

Accepted: 2026-03-19

Published online: 2026-03-20

#### Keywords:

Arbaeen pilgrimage, religious charity, ziyarat, mawkib, social participation

### ABSTRACT

Over the past two decades, the Arbaeen pilgrimage has evolved from a traditional Shi'i devotional practice into the largest annual religious gathering worldwide, constituting a vast arena of religious-social action. Central to this ritual is an expansive, voluntary network of religious charity (khayr-e dini), which provides food, accommodation, healthcare, and cultural services without expectation of return. Within this context, the participation of Iranian and Iraqi women—both as pilgrims and as service providers—has gained prominence and highlights the need for comparative sociological analysis. This qualitative and ethnographic study gathered data through semi-structured interviews with mawkib organizers and participant observation. Findings show that in the Iranian sphere, mawkibs combine personal ties with organizational networks, enabling women to move beyond traditional roles. They engage in cultural management, coordinate women's units, and sometimes assume full administrative responsibility. Their

participation as both a reproduction of social capital and an entry into the religious public sphere. In Iraq, mawkibs are largely familial and tribal, with women primarily engaged in conventional tasks such as food preparation and childcare. Iranian women have partially redefined gendered divisions of labor, whereas Iraqi women remain within traditional frameworks. Despite these differences, both groups interpret their involvement as religious charity that reinforces social cohesion and identity. Yet Iranian women face constraints—financial dependency, male-dominated structures, and negative attitudes toward managerial roles—making their participation simultaneously a devotional act and a site of claim-making and reconfiguration of women's roles in the religious public sphere.

**Cite this article:** Pouyafar, M; & Mohammadzadeh, Z (2025) Religious Charity of Iranian and Iraqi Women in the Arbaeen Pilgrimage: Towards a Rethinking of Gendered Division of Labor, *Journal of Social Problems of Iran*, 16 (2),253-275.

<https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.407681.671363>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.407681.671363>

## خیر دینی زنان ایرانی و عراقی در پیاده‌روی اربعین؛ به‌سوی بازاندیشی در تقسیم کار جنسیتی

محمد رضا پویافار<sup>۱</sup> | زینب محمدزاده<sup>۲</sup>

۱. استادیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه جامع علوم انتظامی امین؛ رایانامه: [mrpouyafar@gmail.com](mailto:mrpouyafar@gmail.com)  
۲. استادیار فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام خمینی، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران؛ رایانامه: [z.mohammadzade63@gmail.com](mailto:z.mohammadzade63@gmail.com)

اطلاعات مقاله	چکیده
<b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی	پیاده‌روی اربعین طی دو دهه اخیر از یک زیارت سنتی شیعی به بزرگ‌ترین اجتماع دینی جهان بدل شده و به عرصه‌ای گسترده از کنش مذهبی - اجتماعی تبدیل گردیده است. ویژگی برجسته این آیین، شبکه عظیم و داوطلبانه «خیر دینی» است که خدمات تغذیه، اسکان، سلامت و فعالیت‌های فرهنگی را بدون چشمداشت سامان می‌دهد. در این میان، حضور زنان ایرانی و عراقی در مقام زائر و خادم اهمیت یافته و ضرورت مطالعه جامعه‌شناختی تطبیقی را آشکار ساخته است. این پژوهش با رویکرد کیفی و مردم‌نگارانه، داده‌ها را از طریق مصاحبه با مدیران و اعضای موکب‌ها و مشاهده مشارکتی گردآوری کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد در سپهر ایرانی، موکب‌ها بر ترکیبی از روابط شخصی و شبکه‌های سازمانی استوارند و زنان توانسته‌اند از نقش‌های سنتی فراتر رفته و در مدیریت فرهنگی، هماهنگی واحد خواهران و حتی اداره کامل موکب مشارکت کنند. انگیزه آنان ترکیبی از باور دینی، نذر فردی و سرمایه اجتماعی محلی است. در سپهر عراقی، موکب‌ها بیشتر بر بنیان خانوادگی و عشیره‌ای شکل می‌گیرند و زنان عمدتاً در نقش‌های سنتی مانند تهیه غذا و مراقبت از کودکان فعال‌اند. زنان ایرانی تا حدی تقسیم جنسیتی کار را بازتعریف کرده‌اند، درحالی‌که زنان عراقی همچنان در چارچوب سنتی عمل می‌کنند. باوجود تفاوت‌ها، هر دو گروه مشارکت خود را کنشی خیر دینی می‌دانند که انسجام اجتماعی و هویت دینی را تقویت می‌کند. همچنین زنان ایرانی با چالش‌هایی چون وابستگی مالی و سیاست‌گذاری مردانه مواجه‌اند، اما مشارکت آنان عرصه‌ای برای مطالبه اجتماعی و بازاندیشی نقش زنان در فضای عمومی دینی محسوب می‌شود.
<b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۴/۰۹/۱۵	
<b>تاریخ بازنگری:</b> ۱۴۰۴/۱۲/۰۳	
<b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۴/۱۲/۲۸	
<b>تاریخ انتشار:</b> ۱۴۰۴/۱۲/۲۹	
<b>کلیدواژه‌ها:</b> پیاده‌روی اربعین، خیر دینی، زیارت، موکب، مشارکت اجتماعی.	

استناد: پویافار، محمد رضا؛ و محمدزاده، زینب. (۱۴۰۴). خیر دینی زنان ایرانی و عراقی در پیاده‌روی اربعین؛ به‌سوی بازاندیشی در تقسیم کار جنسیتی، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۶(۲)، ۲۵۳-۲۷۵. <https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.407681.671363>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.407681.671363>

## ۱. طرح مسئله

پیاده‌روی اربعین در دهه‌های اخیر از یک زیارت سنتی شیعی به یکی از بزرگ‌ترین اجتماعات دینی سالانه جهان و میدان گسترده‌ای از کنش مذهبی - اجتماعی تبدیل شده است. تا پیش از سقوط حکومت صدام حسین، زیارت عتبات‌عالیات برای ایرانیان و عراقیان تجربه‌ای محدود، پرهزینه و اغلب دشوار بود؛ ایرانیان با سختی و شمار اندک به زیارت می‌رفتند و شیعیان عراق نیز سال‌ها این مناسک را به صورت پنهانی یا محدود انجام می‌دادند. با گشایش‌های پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ میلادی، شرایط دگرگون شد و سنتی که ریشه‌های آن در بازخوانی روایات تاریخی از زیارت جابر بن عبدالمطلب... انصاری و برخی روایت‌ها از زیارت اهل بیت (ع) از قبور شهدای کربلا در «اربعین واقعه عاشورا» دارد، با مشارکت گسترده مردم عراق احیا شد و سپس ایرانیان نیز به جمعیت انبوه زائران پیاده در مسیر نجف - کربلا پیوستند.

از مهم‌ترین ویژگی‌های متمایزکننده این آیین، «خیر دینی» یا شبکه عظیم و داوطلبانه خدمت‌رسانی به زائران است؛ شبکه‌ای که طیف گسترده‌ای از خدمات، از تغذیه و اسکان تا خدمات پزشکی و سلامت و خدمات ویژه مادران و کودکان، پشتیبانی حمل‌ونقل و فعالیت‌های رسانه‌ای را بدون چشمداشت و عمدتاً از سوی مردم عادی سازمان‌دهی می‌کند. پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی نیز نشان داده‌اند که در میان زیارت‌های پیاده ادیان مختلف، چنین حجم و تنوعی از کنش داوطلبانه دینی کم‌نظیر است و همین عنصر، پیاده‌روی اربعین را به یک «منسک نیکی» در مقیاسی منحصربه‌فرد بدل کرده است.

در این میان حضور زنان - اعم از ایرانی و عراقی - در این آیین، طی سال‌های اخیر هرچه بیشتر شده و ابعاد تازه‌ای یافته است. یافته‌های پیمایش‌ها (پویافر ۱۳۹۷-۱۴۰۰) نشان می‌دهد که اکنون نسبت ۷۵ درصد مرد و ۲۵ درصد زن در زائران ایرانی پیاده‌روی اربعین که در سال‌های گذشته وجود داشته، در طی سال‌های اخیر هرچه بیشتر به یک تعادل و نسبتی نزدیک به یکدیگر رسیده است. امروز در پیاده‌روی اربعین، زنان نه تنها در مقام زائر، بلکه در مقام خادمان موبک‌ها، مدیران بخش‌های خدماتی، کنشگران فرهنگی و مجریان خیر فردی نقشی تعیین‌کننده یافته‌اند. با وجود این، الگوی مشارکت زنان در خیر دینی اربعینی هنوز به صورت علمی و تطبیقی میان دو جامعه ایران و عراق مطالعه نشده است؛ در حالی که افزایش چشمگیر جمعیت زنان، گسترش انواع مشارکت دینی آنان، و تفاوت‌های اجتماعی - فرهنگی دو جامعه، ضرورت یک مطالعه جامعه‌شناختی دقیق را آشکار می‌سازد. از سوی دیگر، پیچیدگی‌های اجتماعی و فرهنگی میدان اربعین، از ساختار موبک‌ها و مبیته‌ها تا مدیریت، تقسیم کار جنسیتی، زمینه‌های فرهنگی کنش داوطلبانه، و نیز چالش‌ها و محدودیت‌هایی که زنان در مسیر مشارکت با آن روبه‌رو هستند، نیاز به تحلیل مبتنی بر پژوهش تجربی و مردم‌نگارانه را بیشتر نمایان می‌سازد. از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش‌های پیشین از جمله «آیین نیکی» (پویافر، ۱۴۰۲) نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از خدمات خیر دینی توسط زنان انجام می‌شود؛ اما نوع این مشارکت، نحوه سازمان‌دهی آن، تفاوت‌های ایرانی - عراقی، و نیز الگوی فرهنگی حاکم بر کنش زنان، همچنان حوزه‌ای مغفول در ادبیات جامعه‌شناسی دین است.

براین اساس، مسئله پژوهش از این ضرورت نشئت می‌گیرد: «الگوی مشارکت زنان ایرانی و عراقی در خیر دینی آیین پیاده‌روی اربعین چیست و چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در نحوه کنش، انواع مشارکت، زمینه‌های فرهنگی، سازمان‌دهی خدمات و چالش‌های پیش‌روی آنان وجود دارد؟» طرح این مسئله امکان می‌دهد تا زوایای کمتر دیده‌شده مثلث «زن - خیر دینی - زیارت» روشن شود و برای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت کلان اربعین در ایران و عراق مورد استفاده قرار گیرد.

## ۲. پیشینه پژوهش

هرچند پژوهش در موضوع پیاده‌روی اربعین به‌ویژه طی یک دهه اخیر بسیار پر دامنه و متنوع بوده و رشد و توسعه زیادی نیز یافته است. اما در این میان مطالعات تجربی و اجتماعی در این مورد هرچند رشد قابل توجهی داشته، اما همچنان در مقایسه با کل مطالعات انجام شده در این موضوع، در اقلیت است. در البته این پژوهش‌ها به‌عنوان نمونه امین ورزلی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان «پیاده‌روی اربعین به‌مثابه ارتباطات آیین شیعی» با رویکرد مردم‌نگاری، سه رکن ماهیت، ساختار و کارکردهای آیین را بررسی کرد. یافته‌های او نشان داد که این آیین با سه مفهوم کلان محبت اهل‌بیت، نمایش جهانی و هویت شیعی پیوند دارد.

در میان پژوهش‌های غیر از پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی، نخستین تلاش جدی را پویافر در سال ۱۳۹۶ انجام داد. او در یک پژوهش کیفی گسترده، الگوی فعالیت‌ها و تجربه خیر دینی در دو سپهر ایرانی و عراقی را بررسی کرد. این مطالعه برای نخستین‌بار مفهوم «خیر دینی» را وارد ادبیات جامعه‌شناسی دین کرد و با گونه‌شناسی خدمات و فعالیت‌های خیر دینی، تفاوت‌های شکل تأسیس و اداره موب‌ها و نقش نهادهای دولتی و غیردولتی را تحلیل نمود. نتایج این پژوهش بعدها در کتاب «آیین نیکی (۱۴۰۰)، چاپ دوم (۱۴۰۲) منتشر شد و به‌عنوان نقطه عطفی در مطالعات اجتماعی دین در ایران شناخته می‌شود.

همچنین، رضایی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی ابعاد جامعه‌شناختی مراسم اربعین حسینی» با مشاهده مشارکتی و مصاحبه‌های عمیق، فرضیه تحکیم پایه‌های عقیدتی تشیع از طریق همبستگی و اجتماع میلیونی شیعیان را تأیید کرد. رضوی‌زاده (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی در عراق» با ۳۶ مصاحبه کیفی، سه مضمون اصلی را در تجربه زائران ایرانی اربعین شناسایی کرد: تعلیق امر مادی، رنج مقدس به‌مثابه مولد معنا، و برانگیزاندگی عاطفی مناسک جمعی. در مطالعه‌ای مشابه، بُد (۱۳۹۷) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «فهم تجربه زیسته زائران در پیاده‌روی اربعین» با رویکرد پدیدارشناسی و تحلیل تماتیک، نشان داد که عوامل فرهنگی اعتقادی، اجتماعی اقتصادی و سیاسی ملی در شکل‌گیری این ابرویداد نقش دارند. علاوه بر این، فرهادی محلی (۱۳۹۷) در پژوهشی پدیدارشناسانه، تیپ‌های مختلف زائران اربعین را شناسایی کرد: حاجت‌مند، گردشگر، سستی، ایدئال، مناسک‌گرا، مصلحت‌گرا و فضا محور. مطالعه کیفی دیگر، کار موسوی (۱۳۹۷) است که در پایان‌نامه‌ای با موضوع «بررسی کیفی الگوی ابراز هویت زائران ایرانی و عراقی» سه مضمون اصلی هویت ملی، هویت شیعی و هویت جدید «هویت اربعینی» را شناسایی کرد.

در میان مطالعات پدیدارشناسانه غیرفارسی، کار حسین (۲۰۱۸) قابل توجه است. او در پژوهشی پدیدارشناسانه، انگیزه‌ها و تجربیات زائران پیاده در عراق را بررسی و عنصر «امت» را به‌عنوان انگیزه کلیدی مشارکت مکرر زائران شناسایی کرد. یافته‌های مطالعه او نشان می‌دهد که انگیزه‌های زائر پیاده اربعین ناشی از شعائر همیشگی جامعه شیعه و توجه به جامعه (امت) است. همچنین با تحلیل مضامین به‌دست‌آمده از داده‌های این پژوهش کیفی، عنصر «امت» به‌عنوان انگیزه کلیدی برای کسانی که به طور مکرر در زیارت پیاده اربعین شرکت کرده‌اند، تکرار شده است. مؤلفه‌های تجربی به‌دست‌آمده از نتایج نشان می‌دهد: عنصر مذهبی/ بدنی و جنبه‌های مهمان‌نوازی/ انسان‌دوستانه عناصر مهم تجربیات زائران هستند.

در میان محدود کارهای کمی، پژوهش مستقل پویافر (۱۳۹۷) قابل‌ذکر است که در یک پیمایش کمی با نمونه ۹۷۰ نفری از زائران ایرانی، ابعاد تجربه دینی زیارت در اربعین را بررسی کرد. این پژوهش نخستین مطالعه کمی مستقل در ایران درباره تجربه دینی زائران اربعین بوده است.

فرخی و انگوتی (۱۳۹۸) نخستین پژوهشگران بودند که به طور خاص به مشارکت زنان پرداختند. آنان با ۲۰ مصاحبه عمیق و تحلیل مضمون، پنج دسته دلیل برای مشارکت زنان شناسایی کردند: مضامین مهدوی و آخرالزمانی، تربیتی و اخلاقی، تبلیغی، فرهنگی و مذهبی. این پژوهش نقطه آغاز توجه به جنسیت در مطالعات اجتماعی اربعین بود.

از جمله پژوهش‌های دیگر در مورد مشارکت در پیاده‌روی اربعین، مطالعه رضانی تمیجانی (۱۳۹۹) با عنوان «گونه‌ها و ساحت‌های مشارکت جمعی در پیاده‌روی اربعین» است که با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خادمان و مدیران موبک‌های ایرانی، ده حوزه مشارکت (از تغذیه و اسکان تا بهداشت و راهنمایی زائر) و سه نوع مشارکت (دگر یاری، همیاری و خودیاری) را شناسایی کرد. همچنین قائم‌پناه (۱۳۹۹) در پایان‌نامه‌ای با رویکرد کیفی، الزامات نهادینه‌سازی مشارکت مردمی در اربعین را بررسی و نقش سه نهاد دین، دولت و مردم را در فرهنگ‌سازی، تأمین زیرساخت‌ها و تبلیغات شناسایی کرد. تاج‌بخش (۱۳۹۹) در پژوهشی دیگر با عنوان «پیاده‌روی اربعین و ابعاد تربیتی آن» سه سطح تربیتی فردی، خانوادگی و اجتماعی را شناسایی کرد. او همچنین در مقاله‌ای دیگر (۱۳۹۹) با تمرکز بر جوانان، پنج مضمون اصلی زیارت اربعین را استخراج کرد: سفر فیزیکی، شناختی اعتقادی، تجربی احساسی، سبک زندگی اربعین و هویت اربعین.

نیکجو و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای کیفی، به گونه‌شناسی ادراک از نقش‌های امام حسین (ع) در دل‌بستگی زائران اربعین پرداخته و چهار گونه از نقش‌های امام نزد زائران را شناسایی کرده‌اند: معشوق، شفاعت‌کننده، تحول‌آفرین و وحدت‌آفرین.

پژوهش‌های اجتماعی دیگری نیز در مورد پیاده‌روی اربعین، طی سال‌های اخیر انجام شده که توجه بیشتر پژوهشگران دانشگاهی را به این موضوع نشان می‌دهد، مثلاً ذکایی و اسلامی (۱۳۹۹) در پژوهشی به بازنمایی رسانه‌ای مناسک اربعین در ایران پرداختند و شش گفتمان اصلی پیرامون این آیین را شناسایی کردند. در مطالعه‌ای مشابه رحیمی (۲۰۱۹) بازنمایی رسانه‌های غربی از اربعین را تحلیل کرده و نشان داده که این رسانه‌ها اغلب تصویری منفی از این رویداد ارائه می‌دهند. فروغی (۱۳۹۹) در رساله دکتری خود با عنوان «آیین پیاده‌روی زیارت اربعین؛ روایت‌ها و سیاست‌های فرهنگی» نشان داد که جذابیت این آیین در فرهنگ خدمتگزاری عراقی و شور زائران نهفته است و دولت باید نقش هدایتگر در سیاست‌گذاری فرهنگی ایفا کند.

مجدداً پویافر (۱۴۰۰) در پیمایشی دیگر این بار در دو موج، نگرش زائران ایرانی به زیارت اربعین و حرم امام رضا (ع) در دوران همه‌گیری کرونا را بررسی کرد. او پس از آن در پژوهشی کیفی، در پژوهشی کیفی به سفارش پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی، مشارکت دانشگاهیان در اربعین را بررسی کرد (پویافر، ۱۴۰۲). یافته‌های این مطالعه نشان داده که دانشگاهیان ضمن تأیید و ضروری دانستن برخی حمایت‌های رسمی از زائران اربعین، از دولتی شدن اربعین انتقاد داشتند و بر ضرورت استفاده هرچه بیشتر از توانمندی‌های علمی و تخصصی دانشگاهیان تأکید می‌کردند.

محمدتقی کرمی (۱۴۰۲) در پژوهشی تجربی در پیاده‌روی اربعین نخستین پژوهش مورد بررسی، مطالعه‌ای کیفی با تمرکز بر تجربه زنان ایرانی شرکت‌کننده در پیاده‌روی اربعین، داشته است. او در این مطالعه به تحلیل فرایند معناسازی آیینی از منظر جنسیتی می‌پردازد. داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه با ۲۵ نفر از زنان زائر در پیاده‌روی اربعین سال ۱۳۹۶ بوده است. نتایج این پژوهش با بهره‌گیری از مصاحبه‌های عمیق، نشان می‌دهد که پیاده‌روی اربعین برای زنان صرفاً یک کنش آیینی از پیش تعریف‌شده نیست، بلکه فرایندی پویا از «بازآیین‌مندی» است که در آن، زنان از خلال تجربه بدنی، تعاملات اجتماعی و مواجهه با فضاهای جمعی، معناهای تازه‌ای از دین‌داری، هویت و عاملیت اجتماعی خلق می‌کنند. این مطالعه به طور خاص نشان می‌دهد که حضور فعال زنان در مسیر پیاده‌روی، نوعی بازتعریف نقش زن در آیین‌های جمعی شیعی را رقم می‌زند و آنان را از مشارکت‌کنندگان منفعل به کنشگران معناساز بدل می‌کند.

همچنین هاشمیان و دریکوند (۲۰۲۵) در مطالعه خود به بُعد کمتر دیده‌شده اما بنیادین تجربه زنان در اربعین، یعنی چالش‌های سلامت و بهداشت باروری، می‌پردازد. این مطالعه نیز با رویکرد کیفی و از طریق مصاحبه با زنان زائر، مجموعه‌ای از مسائل مرتبط با بهداشت جسمی، مراقبت‌های ویژه زنان، حریم خصوصی و دسترسی به خدمات سلامت را شناسایی می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تجربه معنوی و آیینی زنان به طور مستقیم تحت‌تأثیر شرایط زیستی و بهداشتی قرار دارد و کمبود زیرساخت‌های متناسب با نیازهای جنسیتی می‌تواند مشارکت زنان را با دشواری‌های جدی مواجه سازد.

در میان تلاش‌های پژوهشگران غیرمسلمان در میدان اربعین، پژوهشی قرار دارد که در ایران بسیار مشهور و حتی ترجمه‌هایی از آن نیز منتشر شده است. در این مطالعه، کریستیان و همکاران (۲۰۱۶) با مشارکت گروهی از پژوهشگران در دانشگاه MIT آمریکا پژوهشی با عنوان «به‌سوی کربلا» انجام داده‌اند که در واقع هدف آن نگرش‌های سیاسی و مذهبی زائران ایرانی و عراقی و مقایسه آن بوده و نه مطالعه مستقیم پیاده‌روی اربعین یا تجربه زیارت زائران. نتایج این تحقیق عمدتاً در مورد مسائل سیاسی و منطقه‌ای است. به‌عنوان مثال نتایج نشان داده که ایرانی‌ها به توافقات هسته‌ای خوش‌بین بوده و معتقدند تمام تصمیمات سیاسی را دین باید اتخاذ کند؛ اما عراقی‌ها بیشتر بر این نظرند که دموکراسی باید در کشورها وجود داشته باشد.

\* \* \*

مرور پیشینه نشان می‌دهد که آیین پیاده‌روی اربعین در سال‌های اخیر موردتوجه پژوهشگران حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی قرار گرفته و نمی‌توان آن را موضوعی مغفول دانست. با این حال، بخش عمده مطالعات تجربی در ایران در قالب پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی انجام شده و کوشش‌های مستقل جامعه‌شناسان و پژوهشگران اجتماعی دین در این زمینه بسیار محدود بوده است. به‌رغم پرداخت گسترده نظام حکمرانی و تبلیغات وسیع پیرامون این رویداد، پژوهش‌های اصیل و به‌ویژه مطالعات تجربی همچنان اندک باقی‌مانده‌اند.

ویژگی هر پژوهش علمی، انباشتی و تراکم‌پذیر بودن آن است؛ بدین معنا که تنها با کنار هم قرارگرفتن مطالعات متعدد می‌توان تصویری روشن‌تر از کلیت موضوع به دست آورد. پژوهش حاضر نیز در همین مسیر تلاش دارد ابعادی از پیاده‌روی اربعین را که تاکنون کمتر موردتوجه بوده، آشکار سازد و گامی در جهت شناخت بهتر این پدیده بردارد. تمرکز اصلی این پژوهش بر مطالعه کنش داوطلبانه و مشارکت در خدمت‌رسانی به زائران است؛ موضوعی که نگارنده در آثار پیشین خود تحت عنوان «خیر دینی» مفهوم‌پردازی کرده است.

هرچند معدودی از پژوهشگران مانند رضانی تمیجانی (۱۳۹۹) و فرخی و انگوتی (۱۳۹۸) به مشارکت در خدمت‌رسانی و به‌ویژه مشارکت زنان پرداخته‌اند، اما فقدان مفهوم‌پردازی جامع و گونه‌شناسی دقیق در این حوزه همچنان محسوس است. پژوهش حاضر در امتداد کتاب آیین نیکی (پویافر، ۱۴۰۲) با تمرکز ویژه بر نقش زنان ایرانی و عراقی، در پی آن است که این خلأ را پر کند و تجربه‌ها و گونه‌های خیر دینی در پیاده‌روی اربعین را واکاوی نماید. بدین ترتیب، این مطالعه می‌کوشد سهمی در توسعه ادبیات علمی و تجربی پیرامون مشارکت زنان در عرصه‌های دینی و اجتماعی داشته باشد.

### ۳. مبانی نظری

#### الف- ابهام مفهومی «زیارت» و ضرورت بازتعریف نظری

مفهوم «زیارت» در سنت‌های دینی و در ادبیات کلاسیک علوم اجتماعی، به‌عنوان سفری به مکان یا شخصیت مقدس برای انجام فرایض دینی و تجربه امر قدسی تعریف شده است (الیاده، ۱۹۵۹). این تعریف، باتکیه بر تمایز میان امر مقدس و امر عرفی، زیارت را

کنشی نمادین و آیینی می‌داند که در آن زمان و مکان به‌گونه‌ای خاص بازتعریف می‌شوند. اما در جهان معاصر، این مرزها دچار تزلزل شده‌اند. زیارت با گردشگری دینی، سفرهای معنوی، و حتی سفرهای فرهنگی درآمیخته و به «سفری واجد معنا» بدل شده است که انگیزه‌هایی چون توبه، آرامش روانی، تجربه اجتماعی، و حتی کنجکاوی فرهنگی را در برمی‌گیرد (تیموتی و اولسن، ۱۳۹۲/۲۰۰۶؛ پویافر و رضایی، ۱۴۰۰).

این تحول مفهومی، دو پیامد نظری مهم دارد: نخست آنکه تحلیل زیارت باید هم‌زمان ابعاد فردی/تجربی و ساختاری/نهادین آن را لحاظ کند؛ و دوم آنکه مطالعه زیارت معاصر مستلزم پیوند دادن نظریات کلاسیک دین (مانند مفهوم امر قدسی) با نظریات جدید درباره معنابخشی فردی و تغییرات ناشی از مدرنیته است (تیلور، ۲۰۰۷؛ پویافر، ۱۴۰۰). در این چارچوب، زیارت نه تنها کنشی آیینی بلکه تجربه‌ای روانی، اجتماعی و فرهنگی است که در آن فرد با بازتعریف خود و جهان پیرامون مواجه می‌شود.

## ب- رویکردهای نظری بنیادی در جامعه‌شناسی زیارت

در جامعه‌شناسی زیارت، سه رویکرد نظری مکمل وجود دارد که هر یک از زاویه‌ای خاص به تحلیل کنش زیارتی می‌پردازند. این رویکردها نه تنها به فهم تجربه زیارت کمک می‌کنند؛ بلکه امکان تحلیل ساختارهای اجتماعی، انگیزه‌های فردی، و پیامدهای جمعی آن را فراهم می‌سازند.

### ۱. رویکرد پدیدارشناختی - زیارت به مثابه تجربه معنوی و انفسی

رویکرد پدیدارشناختی، زیارت را به‌عنوان تجربه‌ای شخصی، معنوی و انفسی در نظر می‌گیرد که در آن فرد با امر قدسی مواجه می‌شود. میرچا الیاده در اثر کلاسیک خود «مقدس و نامقدس» نشان می‌دهد که زیارت، ورود به فضایی مقدس است که در آن زمان و مکان دگرگون می‌شوند و کنش‌های نمادین خاصی فعال می‌گردند (الیاده، ۱۹۵۹). این تجربه، نوعی گسست از زندگی روزمره و ورود به عرصه‌ای متعالی است که در آن فرد با حقیقتی فراتر از خود روبه‌رو می‌شود.

در ادامه این سنت، چارلز تیلور نشان می‌دهد که در جهان مدرن، معنویت از حالت جمعی و نهادینه به تجربه‌ای فردی و درونی بدل شده است. زیارت در این چارچوب، نه تنها کنشی آیینی بلکه فرصتی برای بازتعریف خود، جست‌وجوی معنا، و بازسازی هویت شخصی است (تیلور، ۲۰۰۷). این دیدگاه به‌ویژه برای تحلیل مشارکت زنان اهمیت دارد؛ چرا که بسیاری از زنان زیارت را فرصتی برای آرامش روانی، توبه، نذر شخصی، و بازسازی معنوی می‌دانند.

هلینا ویلاکا نیز در مطالعات خود نشان می‌دهد که زیارت در جهان معاصر، نوعی سفر معنوی است که در آن زائران - به‌ویژه زنان - با تجربه‌ای عمیق و انفسی مواجه می‌شوند که فراتر از مناسک رسمی است و به تجربه‌ای درونی و شخصی بدل می‌شود (ویلاکا، ۲۰۱۰). در ایران نیز مطالعات پویافر نشان داده که زنان در زیارت پیاده‌روی اربعین، تجربه‌ای چندلایه از معنویت، آرامش، و بازتعریف هویت دینی را گزارش کرده‌اند (پویافر، ۱۳۹۹).

### ۲. رویکرد ساختاری - نهادین - زیارت به مثابه نهاد اجتماعی و مناسکی

رویکرد ساختاری - نهادین، زیارت را به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی و نهادی تحلیل می‌کند که در آن قواعد، نقش‌ها، ساختارها و نهادهای رسمی و غیررسمی شکل می‌گیرند. برگر و لاکمن در نظریه «ساخت اجتماعی واقعیت» نشان می‌دهند که هر پدیده اجتماعی دارای دو بعد است: بعد عینی (نهادهای، ساختارها، رویه‌ها) و بعد ذهنی (درونی شدن معناها توسط کنشگران) (برگر و لاکمن،

۱۹۶۶). زیارت نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ تکرار کنش‌های زیارتی، شکل‌گیری موب‌ها، تقسیم کار، و ایجاد سازوکارهای مدیریتی، همگی نشان‌دهنده نهادمندی زیارت هستند.

ویکتور ترنر با تمرکز بر «مناسک گذار» و مفهوم «آستانگی»<sup>۱</sup>، زیارت را مرحله‌ای می‌داند که در آن فرد از ساختارهای اجتماعی معمول خارج شده و وارد فضایی نمادین و گذار می‌شود. در این مرحله، همبستگی اجتماعی، همدلی، و تجربه جماعت‌واره<sup>۲</sup> شکل می‌گیرد (ترنر، ۱۹۷۴). زیارت پیاده‌روی اربعین، به‌ویژه با حضور میلیونی زائران، نمونه‌ای بارز از این مرحله آستانگی است که در آن مرزهای اجتماعی، جنسیتی، و طبقاتی کمرنگ می‌شوند و تجربه‌ای جمعی و همدلانه شکل می‌گیرد.

مطالعات محسن حسام مظاهری نیز نشان می‌دهند که در پیاده‌روی اربعین، به‌ویژه تحت‌تأثیر رویه‌های سیاستی موجود، نمودی بارز از تورم مناسکی قابل‌مشاهده است که به‌ویژه تحت‌تأثیر سیاست‌گذاری رسمی قرار دارد و از این جهت افزایش جمعیت زائران نیز تحت‌تأثیر این سیاست ترویج حضور هرچه بیشتر مردم در این مراسم از طریق تبلیغات رسانه‌ای است که عملاً این آیین را از شکل مردمی خارج ساخته و در چارچوب یک ساختار رسمی قرار می‌دهد (مظاهری، ۱۳۹۷). از این نظر، نقش زنان در ساختارهای موب، از خدمت‌رسانی تا مدیریت برخی فعالیت‌ها، با رویکرد ساختاری نیز قابل‌تحلیل است و می‌توان بررسی کرد که چگونه سیاست‌های رسمی و ساختارهای فرهنگی بر مشارکت آنان تأثیر می‌گذارند.

### ۳. رویکرد کنش‌محور و خیر دینی - زیارت به‌مثابه میدان مشارکت داوطلبانه و تولید سرمایه اجتماعی

رویکرد سوم، زیارت را به‌عنوان میدان کنش داوطلبانه و تولید خیر دینی تحلیل می‌کند. در این دیدگاه، زیارت نه‌تنها تجربه‌ای معنوی یا نهادی، بلکه عرصه‌ای برای ظهور کنش‌های داوطلبانه، شبکه‌های خدمت‌رسانی، و تولید سرمایه اجتماعی است. مطالعات پویافر نشان می‌دهند که پیاده‌روی اربعین، بستری برای سازمان‌یابی مردمی خدمات - از تغذیه و اسکان تا درمان و فعالیت‌های فرهنگی - است که غالباً بدون چشمداشت و با انگیزه‌های دینی انجام می‌شود (پویافر، ۱۴۰۰؛ ۱۴۰۲).

این کنش‌ها که در قالب موب‌ها، مضیف‌ها، و نذرهای فردی انجام می‌شوند، نه‌تنها کارکرد رفاهی دارند؛ بلکه نقش‌های نمادین، هویتی، و اجتماعی ایفا می‌کنند. در این میدان گسترده از مشارکت اجتماعی، زنان نیز با استفاده از شبکه‌های خویشاوندی و انگیزه‌های دینی، نقش‌های کلیدی در خدمت‌رسانی ایفا می‌کنند. آنان گاه به‌صورت فردی و گاه در قالب گروه‌های محلی یا مذهبی، در سازمان‌دهی خدمات، پخت‌وپز، پذیرایی، و حتی مدیریت موب‌ها مشارکت دارند. همچنین مطالعات رضانی تمیجانی نشان می‌دهند که مشارکت زنان در پیاده‌روی اربعین، نه‌تنها کنشی مذهبی بلکه نوعی کنش اجتماعی و فرهنگی است که در آن زنان به‌عنوان بازیگران فعال، هویت دینی و اجتماعی خود را بازتعریف می‌کنند و در تولید سرمایه اجتماعی نقش دارند (رضانی تمیجانی، ۱۳۹۹).

با استفاده از این رویکرد نظری امکان تحلیل تطبیقی مشارکت زنان ایرانی و عراقی در اربعین در این مطالعه فراهم آمده و براین اساس می‌توان نشان داد که چگونه زمینه‌های فرهنگی، مذهبی و سیاسی بر نحوه مشارکت آنان تأثیر می‌گذارند.

### ج- پیوند نظریات با تحولات معاصر: مرزهای متزلزل زائر/گردشگر و کارکردهای اجتماعی زیارت

تحولات مدرن در عرصه دین، رسانه، و فناوری اطلاعات سبب شده که مرز میان زائر «محض» و گردشگر «معنوی» تضعیف شود. در بسیاری از موارد، انگیزه‌های زائران ترکیبی از عناصر دینی، فرهنگی، اجتماعی و حتی تفریحی است. سفرهای زیارتی در جهان معاصر نه تنها برای انجام مناسک دینی بلکه برای تجربه فرهنگی، بازدید از اماکن تاریخی، یا حتی تعاملات اجتماعی انجام می‌شوند (تیموتی و اولسن، ۱۳۹۲/۲۰۰۶). این تحول، تحلیل زیارت را از چارچوب‌های سنتی فراتر می‌برد و مستلزم درک طیفی از انگیزه‌ها و تجربه‌هاست.

در این میان، زیارت پیاده‌روی اربعین به‌عنوان یک ابرویداد دینی - اجتماعی، نمونه‌ای بارز از این تحول است. این مناسک، هم‌زمان واجد ابعاد معنوی، فرهنگی، سیاسی، و اقتصادی است. از یک‌سو، تجربه جماعت‌وارگی و آستانگی در آن برجسته است؛ از سوی دیگر، شبکه‌های خدمت‌رسانی، نهادهای رسمی، و رسانه‌ها در آن نقش فعال دارند و به این ترتیب منظومه‌ای گسترده و متنوع از کنشگری شکل می‌گیرد که زیارت و حضور در مکان مقدس، تجربه نشاط و فرح‌بخشی حضور در سفری دینی (گردشگری)، مخاطب مطلق بودن یا خدمت‌دهنده به «دیگری هم‌نوع» را در هم می‌آمیزد. در چنین میدانی است که زنان زائر، هم به‌عنوان زائر و هم به‌عنوان کنشگر اجتماعی، مشارکت و حضور فعال پیدا می‌کنند.

### د- پیاده‌روی اربعین: میدان آشکار تقاطع تجربه، نهاد و خیر دینی

پیاده‌روی اربعین نمونه‌ای ویژه از یک آیین زیارتی است که تحلیل آن با تلفیق سه رویکرد بالا امکان‌پذیر خواهد بود. سه ویژگی برجسته این مناسک عبارت‌اند از: (الف) شدت و انسجام تجربه جمعی و آستانگی؛ (ب) گستره و تنوع شبکه‌های خدمت‌رسانی داوطلبانه؛ و (ج) فرایندهایی از نهادی‌شدن و دخالت نهادهای رسمی که سازوکارها و رویه‌ها را شکل می‌دهند (پویافر، ۱۴۰۰؛ مظاهری، ۱۳۹۷).

در این میان، ویژگی متمایز پیاده‌روی اربعین که آن را در میان سایر زیارت‌های پیاده در ادیان مختلف جهان برجسته می‌سازد، «تراکم و تنوع چشمگیر خیر دینی» در این میدان زیارت دینی است؛ شبکه‌ای از خدمات داوطلبانه که از سطح فردی (ادای نذرها، خدمات انفرادی زنان ایرانی و عراقی به زائران) تا سطح نسبتاً ساختاریافته در موب‌های ایرانی و عراقی گسترده است (پویافر و رضایی، ۱۴۰۰). این خیر دینی، علاوه بر کارکردهای رفاهی، نقش‌های نمادین و هویتی نیز دارد: بازتولید هویت گروهی، نمایش تعهدات دینی، و ایجاد سرمایه اجتماعی میان اهالی مناطق و محلات در مسیر پیاده‌روی (فرخی و انگوتی، ۱۳۹۸؛ رضانی تمیجانی، ۱۳۹۹).

در عین حال در پیاده‌روی اربعین، به‌ویژه در سپهر ایرانی آن، نشانه‌هایی از نهادی‌شدن و ساخت‌یافتگی فراتر از یک رویداد دینی معمول و مردم پایه مشاهده می‌شود که به نوبه خود ویژگی خاصی به شکل‌بندی‌های اخیر این آیین زیارتی در مقایسه با شکل سنتی آن در شیعیان عراق، داده است. در اینجا، مراد از نهادی‌شدن امر دینی فرایندی است که در آن پدیده‌های اجتماعی در مسیر ساخت‌یافتگی و نهادیافتگی قرار می‌گیرند. نهادی‌شدن امر اجتماعی و فرهنگی در این معنای خاص حاصل دو روند و تشدید آن‌ها است:

۱. تقنین و تعیین رویه‌های رسمی، قانون‌گذاری و در نتیجه جرم‌انگاری برای امور مختلف در شئون گوناگون زندگی مردم جامعه؛ این روند در حد شدید آن حتی شامل جزئی‌ترین امور زندگی مردم هم می‌شود.

۲. مداخله و حضور و تصدی‌گری دولتی حاکمیتی به‌صورت حداکثری: در شکل شدید این روند، دولت به‌جای تولی‌گری و توقف بر تسهیل‌گری و نظارت بر امور، خود تصدی‌گری جزئی‌ترین امور اجرایی را بر عهده گرفته و در امور گوناگون از جمله در امر دینی، مداخله مستقیم می‌کند.

نهادی‌شدن امر اجتماعی و فرهنگی در امر دینی، به شکل بارزی در سامان‌دهی فعالیت‌ها و برنامه‌ها، مناسک و آیین‌های دینی و به طور ویژه در سال‌های اخیر در مورد پیاده‌روی اربعین (از طریق راه‌اندازی یک ستاد و ساختار رسمی اجرایی)، نمود یافته است. این فرایند در جامعه ایرانی پیامدهای اجتماعی گوناگونی از جمله در مسیر سکولارسازی سطح فردی در جامعه داشته که پویافر (۱۳۹۷) به طور مکرر در مورد آن در مقالات و کتاب‌های پیشین خود (از جمله مقاله «از نهادی‌شدن آیین اربعین تا عرفی‌شدن امر قدسی»، در کتاب پیاده‌روی اربعین: تأملات جامعه‌شناختی (مظاهری، ۱۳۹۷)، کتاب آیین نیکی؛ مطالعه جامعه‌شناختی خیر دینی در آیین پیاده‌روی اربعین (پویافر، ۱۴۰۲)، مقاله «دین و خشونت در ایران پساانقلابی» در کتاب جامعه‌شناسی امر دینی در ایران (آرما، ۱۴۰۱)) اشاره کرده و در مورد آن هشدار داده است.

### هـ- جایگاه زنان: تحلیل سه سطحی و پیشنهاد چارچوب تحلیلی

تحلیل مشارکت زنان در خیر دینی اربعین، در سه سطح قابل احصا است:

- سطح تجربه و معنا (پدیدارشناختی): تحلیل انگیزه‌ها، تجربه معنوی، و معنابخشی فردی زنان.
- سطح ساختاری - نهادین: تحلیل قرارگیری زنان در ساختار موکب‌ها، تقسیم کار جنسیتی، نقش مدیریتی یا اجرایی، و تأثیر نهادی‌شدن.
- سطح کنش جمعی و خیر دینی: نحوه سازمان‌یابی کنش‌های داوطلبانه، شبکه‌سازی، و پیامدهای اجتماعی - اقتصادی مشارکت زنان.

این چارچوب امکان تحلیل تطبیقی مشارکت زنان ایرانی و عراقی را فراهم می‌سازد؛ از نقش‌های مدیریتی و اجرایی تا تجربه‌های زیسته و معنابخشی فردی. همچنین براین اساس می‌توان تأثیر سیاست‌های رسمی، ساختارهای فرهنگی، و زمینه‌های اجتماعی را بر نحوه مشارکت زنان تحلیل کرد. در این مقاله تمرکز اصلی بر سطح سوم، یعنی تحلیل انگیزه‌ها، تجربه معنوی، و معنابخشی فردی زنان بوده است. در این حال اشاراتی به دو سطح دیگر نیز شده است. یعنی هم به تجربه و معنای کنشگری خیر دینی در بستر پیاده‌روی اربعین و هم به چگونگی نقش‌آفرینی زنان در ساختار موکب‌ها، نظام تقسیم کار، نقش‌های مدیریت و تأثیر نهادی‌شدن امر دینی در آن توجه جانبی شده است.

### ۴. روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی و مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی بوده است. در عین این پژوهش بخشی از مطالعه‌ای گسترده‌تر بوده که در آن برای گردآوری اطلاعات از رویکرد مردم‌نگاری مجموعه‌ای از داده‌های مشاهده مشارکتی و همچنین مصاحبه کیفی با کنشگران زن ایرانی و عراقی در پیاده‌روی اربعین استفاده است. در عین حال، داده‌های کیفی اصلی در این مقاله مبتنی بر مصاحبه‌های کیفی انجام شده بود که باهدف تحلیل مشارکت زنان ایرانی و عراقی در خیر دینی آیین پیاده‌روی اربعین انجام شده تا شناختی عمیق‌تر از چگونگی مشارکت زنان، زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن، و مقایسه تطبیقی در دو سپهر ایرانی و عراقی بوده است.

چارچوب روش‌شناختی پژوهش، تلفیقی از تکنیک‌های مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته و مشاهده مشارکتی در میدان بوده است. این ترکیب، امکان فهم هم‌زمان روایت‌های فردی و ساختارهای نهادی را فراهم کرده و به پژوهشگر اجازه داده تا هم تجربه زیسته زنان و در کنار آن، سازوکارهای سازمانی موکب‌ها را تحلیل کند.

**جامعه پژوهش و واحدهای مشاهده:** جامعه مورد مطالعه شامل دو گروه اصلی بوده است: مدیران و زنان عضو موکب‌های ایرانی؛ مدیران و زنان عضو و فعال در موکب‌ها، مضیف‌ها و میبیت‌های عراقی. واحدهای مشاهده در پژوهش، لزوماً موکب‌هایی با مدیریت کامل زنان نبوده‌اند، بلکه هر موکب یا میبیتی که یکی از ویژگی‌های زیر را داشته، به‌عنوان واحد مشاهده انتخاب شده است:

- اکثریت اعضای آن زن بوده‌اند؛
- بخش مؤثری از فعالیت‌ها با مشارکت زنان انجام شده است؛
- مدیریت یا راهبری آن برعهده یک زن بوده است؛
- خدمات انفرادی زنان به زائران، به‌ویژه در میان زنان عراقی.

**براین اساس، ابزار گردآوری داده‌ها** شامل مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساخت‌یافته با مدیران و اعضای موکب‌ها، مشاهده مشارکتی در میدان، همراه با ثبت عکس و یادداشت‌های میدانی به همراه مصاحبه‌های تکمیلی پس از بازگشت از میدان، برای تکمیل داده‌ها بوده است.

در هر موکب، حداقل دو مصاحبه انجام شده است - یکی با مدیر یا مسئول موکب و دیگری با یکی از زنان عضو آن. این کار امکان اعتباریابی روایت‌ها و تحلیل تفاوت دیدگاه‌ها را فراهم کرده است. فرایند اصلی کار برای گردآوری داده‌های اصلی در مسیر پیاده‌روی، طی هفت روز در خلال برپایی پیاده‌روی اربعین از ۲۲ صفر تا ۲۹ صفر انجام شده و شامل مراحل زیر بوده است:

- ورود به عراق از مرز چذابه و استقرار اولیه در نجف؛
  - آغاز پیاده‌روی از پل انقلاب ۱۹۲۰ تا کربلا، همراه با تقسیم مسیر به بخش‌های عمودی؛
  - تقسیم تیم پژوهش به سه گروه برای پوشش عمودهای مختلف؛
  - انجام مصاحبه‌ها و مشاهدات در موکب‌ها، میبیت‌ها و خدمات انفرادی زنان؛
  - اقامت در منازل میزبانان عراقی و تعامل فرهنگی با آنان؛
  - بازگشت به ایران و انجام مصاحبه‌های تکمیلی در بازه زمانی دو هفته پس از اربعین.
- تیم پژوهش شامل هفت نفر بوده است: چهار نفر برای مطالعه بخش ایرانی و سه نفر برای مطالعه بخش عراقی. پژوهشگران عرب‌زبان از خوزستان، با تسلط فرهنگی و زبانی، مسئول مصاحبه با زنان عراقی بوده‌اند.

## ۵. شیوه تحلیل و تفسیر کیفی داده‌ها

داده‌های گردآوری‌شده پس از پیاده‌سازی، کدگذاری و مقوله‌بندی، با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای کیفی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. تحلیل مضمون، بر اساس پرسش‌های پژوهش و باهدف استخراج الگوهای مشارکت، تفاوت‌های فرهنگی و سازوکارهای جنسیتی انجام شده است.

در تحلیل نهایی، داده‌های حاصل از میدان با یافته‌های پژوهش پیشین «آیین نیکی» تلفیق شده‌اند تا اعتبار و غنای تحلیلی افزایش یابد. این تلفیق، امکان مقایسه تطبیقی و استخراج الگوهای مشترک و متمایز در دو سپهر ایرانی و عراقی را فراهم کرده است.

## ۶. یافته‌ها

کنشگری زنان ایرانی و عراقی در میدان خیر دینی اربعین، بستری از تجربه معنایی ویژه برای آنان است. در اینجا ابعاد مختلف این کنشگری بر اساس مصاحبه‌های کیفی انجام شده با مشارکت‌کنندگان در کنار برخی شواهد تکمیلی حاصل از مشاهدات مشارکتی ارائه می‌شود. براین اساس ابتدا به «نحوه تأمین هزینه‌ها و جذب کمک‌ها»، «نحوه آشنایی و عضویت در موکب‌ها»، «نحوه تقسیم کار و سازماندهی نقش‌ها»، «نوع خدمات و تفاوت‌های جنسیتی» و «انگیزه خدمت‌رسانی» پرداخته می‌شود. واحدهای معنایی هریک از مقولات زیارتی یادشده، به همراه واحدهای معنایی آن در جدول زیر آمده است:

واحدهای معنایی (مفاهیم اولیه)		مقولات
سپهر عراقی	سپهر ایرانی	
شبکه روابط شخصی، خانوادگی و عشیره‌ای	شبکه‌های ارتباطی شخصی و خانوادگی، اطلاع‌رسانی عمومی،	نحوه تأمین هزینه‌ها و جذب کمک‌ها
	کمک‌های مردمی، کمک‌های دولتی	
عشیره؛ خانواده، اجتماع محله‌ای	تبلیغات عمومی، روابط شخصی و خانوادگی	نحوه آشنایی و عضویت در موکب‌ها
مشارکت زائران ایرانی، تقسیم کار سیال، سازمان‌دهی مردانه، شیفت بندی	برنامه‌ریزی پیشینی، سازمان‌دهی حین فعالیت، تقسیم کار مردسالار	نحوه تقسیم کار و سازماندهی نقش‌ها
	شبانه‌روزی، شیفت بندی، محوریت مردان	
تهیه و توزیع غذا، آماده‌سازی وسایل خواب، نظافت	خدمات فرهنگی، آموزشی، پاسخ‌گویی به شبهات، برنامه‌های مذهبی ویژه زنان، مددکاری و مشاوره، سلامت و بهداشت، حمایت از مادران و کودکان، نظافت و اسکان	نوع خدمات و تفاوت‌های جنسیتی
حب الحسین، همدلی با حضرت زینب (س)، شفاعت امام حسین (ع)، افتخار و هویت جمعی	عشق به امام حسین (ع)، الگوگیری از حضرت زینب (س)، خدمت به خلق برای ثواب	انگیزه خدمت‌رسانی

بر اساس مفاهیم و مقولات استخراج شده، مقایسه وجوه مختلف کنشگری خیر دینی زنان بین دو سپهر ایرانی و عراقی انجام شده است. این مقایسه به‌ویژه در وجوه «تفاوت در نحوه تأسیس و سازماندهی موکب‌ها»، «تفاوت در مسئولیت‌ها و نقش‌ها» و «تفاوت در انگیزه‌های خدمت» انجام شده است. در نهایت و بر مبنای تحلیل انجام شده، «چالش‌ها و انتظارات» کنشگران زن ایرانی و عراقی در پیاده‌روی اربعین مورد واکاوی قرار گرفته است.

### الف- سپهر ایرانی مشارکت زنان

#### نحوه تأمین هزینه‌ها و جذب کمک‌ها

مسئله مالی و تأمین هزینه‌ها مهم‌ترین رکن در شکل‌گیری و استمرار فعالیت موکب‌های ایران است. الگوی غالب، اتکا به شبکه‌های ارتباطی شخصی و خانوادگی اعضای موکب - هیئت‌های مذهبی، دوستان و آشنایان - در کنار اطلاع‌رسانی عمومی و کانال‌های رسمی است. هرچند برخی موکب‌ها با دسترسی به رسانه‌ها و حمایت سازمان‌های دولتی یا حاکمیتی می‌توانند دامنه جذب نذورات را گسترش دهند، اما داده‌ها نشان می‌دهد سهم اصلی کمک‌ها از اعتماد اجتماعی در روابط نزدیک حاصل می‌شود. سمانه روشن و مختصر می‌گوید: «کمک‌های مردمی کم داریم. بیشتر هزینه‌ها را خانوادگی (ایلاتی) تأمین می‌کنیم.» ستاره سازوکار خرد؛ اما کارآمد

هیئتی را توضیح می‌دهد: «در هیئتمان صندوق می‌گذاشتیم و کمک‌های مردمی مرا جمع می‌کردیم. بعد از جدایی از هیئت، هریک از اعضای موکب در بین دوستان و اقوام می‌گفت و کمک مالی جمع می‌کرد.» ثریا نیز بر نقش اعتبار اجتماعی تأکید دارد: «ما (من و همسران شهدا) جزو معتمدین شهر هستیم و مردم ما را می‌شناسند و به ما اعتماد می‌کنند و کمک می‌کنند.» کمک‌ها به‌طور کلی شامل دودسته نقدی و غیرنقدی‌اند. هرچند که بخش مهمی از منابع بودجه و امکانات موکب‌های زنان از سازمان‌های دولتی یا حاکمیتی و گاه از مسیر دسترسی به شرکت‌های صنعتی یا بودجه‌های نیابتی تأمین می‌شود، با این‌همه، کفه کمک‌های مردمی همچنان سنگین‌تر است و ساختار اصلی تأمین از «جامعه» می‌آید نه «سازمان‌ها».

### نحوه آشنایی و عضویت در موکب‌ها

در سپهر ایرانی، برخلاف سپهر عراقی که قرابت‌های خانوادگی، محلی و عشیره‌ای ستون فقرات تشکیل‌مبیت و مزیف است، روابط عمومی و سازمانی نقش پررنگ‌تری در شکل‌گیری موکب دارند. با این‌حال در موکب‌های زنان، روابط شخصی و خانوادگی همچنان تعیین‌کننده‌اند. سمانه تصویر روشن و ساده‌ای ارائه می‌کند: «اکثر اعضا خانواده هستند یا از اعضای مجتمعمان هستند.» در کنار شبکه‌های سنتی، بهره‌گیری از ابزارهای مدرن تبلیغات عمومی مانند ثبت‌نام آنلاین و تبلیغات فضای مجازی نیز مؤثر بوده است. طاهره از این سازوکار رسمی - دیجیتال می‌گوید: «ما از طریق سایت موکب اقدام به ثبت‌نام برای جذب خادم کردیم.» الهام نیز تأکید می‌کند: «از طریق فرم ثبت‌نام که ما پیچ و کانالی داریم در اینستاگرام و بله. تبلیغات را آنجا قرار دادیم. دوستان هم پخش کردن.» نتیجه، ترکیبی از سرمایه‌های سنتی و ابزارهای مدرن است که دامنه جذب و تنوع اعضا را افزایش داده است.

### تقسیم کار و سازماندهی نقش‌ها

تقسیم کار در موکب‌های زنان به دو شیوه انجام می‌شود: برنامه‌ریزی پیشینی و سازماندهی حین فعالیت. در شیوه نخست، جلسات توجیهی یک تا سه ماه قبل از اعزام برگزار می‌شود و بر اساس نیازهای موکب و علاقه‌مندی و توان‌مندی هر عضو نقش‌ها تعیین می‌گردد. مرضیه توضیح دقیقی می‌دهد: «از یک ماه قبل از رفتن، برای افراد سمنانی کلاس توجیهی حضوری می‌گذاریم... بر اساس نیازمندی‌ها، تقسیم کار می‌کنیم... از بچه‌ها موقع ثبت‌نام می‌پرسیم که علاقه‌مندی و تخصص و مهارتشان در چه حوزه‌ای است و بر همان اساس سازماندهی می‌کنیم.» در شیوه دوم، نقش‌ها در حین فعالیت و بر مبنای نیاز روزانه توزیع می‌شوند و امکان جذب خادم موقت (حتی برای چند ساعت) وجود دارد.

شیفت بندی: باتوجه‌به لزوم فعالیت و خدمت‌رسانی شبانه‌روزی و تمام‌وقت به زائران، ستاره از الگوی شیفت بندی می‌گوید: «ما دو تا رابط و سرتیم داریم که هرکدام ده نفر نیرو دارد... شیفت‌ها سه تا هشت ساعت هستند.» در مقابل، موکب‌هایی با ظرفیت و ساختار کوچک‌تر، انعطاف بالاتری دارند. عاطفه می‌گوید: «بچه‌های ما شیفتی نیستند و تا هر وقت خسته شوند، کار می‌کنند.» و طاهره تأکید می‌کند: «هر موقعیت کاری که پیش بیاید، همه با هم انجام می‌دهیم.» این تنوع رویکردها، نشان‌دهنده انطباق با منابع انسانی، مقیاس موکب و شدت نیاز خدمت‌رسانی است.

تقسیم کار مردسالار: در ساختار سازمان‌دهی و تقسیم کار در موکب‌های ایرانی، به‌صورت پیش‌فرض این تصور سنتی و کلیشه‌ای وجود دارد که در فضا و موقعیت پرمخاطره و پرازدحامی همچون اربعین، اساساً زنان نباید به این شکل وارد شوند و فعالیت کنند. این درواقع نوعی نگاه منفی جنسیتی به زنان را در پس خود دارد. به‌عنوان مثال، ثریا می‌گوید: «عدم درک و فهم بعضی از آقایان و اینکه خانم‌های خادم را به‌عنوان مدیر نمی‌بینند و قبول ندارند و نمی‌گذارند آن‌ها مستقلاً عملکرد داشته باشند و موکب را درست مدیریت کنند.» علاوه بر این، به علت وجود این نوع نگاه منفی جنسیتی به نقش‌آفرینی و فعالیت زنان در پیاده‌روی اربعین، برخی از

نقش‌هایی که زنان می‌توانند ایفا کنند و حتی بهتر از مردان از عهده آن برمی‌آیند، به دلیل پیش‌فرض‌های نادرست به زنان واگذار نمی‌شود. از جمله اینکه این امکان وجود دارد که در موکب‌های زنان یا در موکب‌هایی که بخش مهمی از خدمات از سوی زنان داده می‌شود، امور مربوط به تغذیه همچون آماده‌سازی مواد غذایی و طبخ و توزیع به طور کامل از سوی زنان انجام شود؛ اما در مقابل در عموم موکب‌ها کار تهیه مواد غذایی، طبخ و توزیع به طور کامل بر عهده مردان قرار داده می‌شود.

### نوع خدمات و تفاوت‌های جنسیتی

زنان در حوزه‌های فرهنگی، آموزشی، پاسخ‌گویی به شبهات، برنامه‌های مذهبی ویژه زنان، مددکاری و مشاوره، سلامت و بهداشت، حمایت از مادران و کودکان، نظافت و اسکان و تغذیه نقش‌برجسته‌ای دارند. در بخش آشپزخانه، کارهای سنگین پخت در حجم زیاد عموماً مردانه اداره می‌شود، اما زنان در آماده‌سازی مواد غذایی (پاک‌کردن و خردکردن سبزی، پوست‌کردن و سرخ‌کردن مواد) مشارکت فعال دارند و حتی بسته‌های آماده را از ایران همراه می‌برند. در همکاری‌های مشترک ایرانی - عراقی، الگوی نقش‌ها متفاوت می‌شود: در موبیت‌های عراقی، زنان نقش اصلی در طبخ و آماده‌سازی غذا دارند؛ بنابراین وقتی زنان ایرانی در این قالب‌ها مشارکت می‌کنند، امکان حضور پررنگ‌تر در طبخ غذا را نیز می‌یابند. برآیند کلی نشان می‌دهد که از میان هفت گونه خیر دینی، احصا شده در پژوهش آیین نیکی، (پویافر، ۱۴۰۲)، زنان در تسهیل سفر (حمل‌ونقل و ارتباطات) و فعالیت‌های فنی - تعمیراتی کمتر حضور دارند و در سایر حوزه‌ها (اسکان و تغذیه، سلامت، فرهنگی - مذهبی و حتی برخی فعالیت‌های سیاسی چون زیارت به نیابت از شهدا) نقش‌آفرینی‌شان چشمگیر است.

### انگیزه خدمت‌رسانی

تفسیر کیفی مضامین حاصل از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که انگیزه محوری زنان، عشق به امام حسین (ع)، الگوگیری از حضرت زینب (س) و خدمت به خلق برای ثواب است. بسیاری بدون چشمداشت مادی یا حتی معنوی وارد میدان می‌شوند. به‌عنوان نمونه صدیقه انگیزه شخصی خود را چنین خلاصه می‌کند: «صرفاً به‌خاطر همراهی با حضرت زینب بوده... فقط همراهی با حضرت زینب.» در کنار این، انگیزه رسالت دینی - سیاسی وجه متمایز زنان ایرانی نسبت به زنان عراقی است: آنان مشارکت در اربعین را سهمی در جهانی‌سازی پیام عاشورا، نمایش قدرت جمعی شیعه و هموارسازی راه ظهور می‌دانند. همچنین، انگیزه رشد شخصی و تهذیب نفس نیز قابل‌اشاره است. زهرا می‌گوید: «ما با این سختی کشیدن‌ها رشد پیدا می‌کنیم... پاک‌سازی نفس می‌کنیم.» الهام نیز بر عاملیت زنانه در رسالت دین تأکید دارد: «اگر ما یک رسالتی داشته باشیم، زن و مرد نمی‌شناسد... خانم‌ها اگر در حوزه ایثار و شهادت قدم بردارند... می‌توانند خیلی مؤثر باشند».

بر اساس آنچه آمد، سپهر ایرانی موکب‌های زنان در اربعین، ترکیبی از اعتماد اجتماعی، شبکه‌های خانوادگی و ابزارهای مدرن جذب و سازماندهی است. زنان باوجود محدودیت‌های لجستیکی و فشارهای محیطی، ستون‌های اصلی بسیاری از خدمات فرهنگی، اجتماعی و سلامت‌اند و در برخی قالب‌های مشترک ایرانی - عراقی نقش‌های «به‌طور سنتی مردانه» مانند طبخ غذا را نیز بر عهده می‌گیرند. مشاهدات میدانی و تحلیل مضمون مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی، رسالت دینی - سیاسی و پروژه تهذیب نفس، سه موتور محرک پایداری و ابتکار زنان در خیر دینی اربعین‌اند. این چهره چندبُعدی، هم واقعیت‌های ساختاری را بازتاب می‌دهد و هم ظرفیت‌های کنشگرانه زنان را در میانه دشواری‌ها به نمایش می‌گذارد.

## ب- عراقی

### نحوه تأمین هزینه‌ها و جذب کمک‌ها

در موکب‌های عراقی، برخلاف موکب‌های ایرانی، اطلاع‌رسانی عمومی و رسانه‌ای برای جذب کمک‌ها نقش چندانی ندارد. منابع مالی بیشتر از طریق شبکه روابط شخصی، خانوادگی و عشیره‌ای فراهم می‌شود. هر خانواده پس از پایان مراسم اربعین، پس‌انداز برای سال آینده را آغاز می‌کند و دینار به دینار از درآمد ماهانه کنار می‌گذارد تا در خدمت‌رسانی سهیم باشد. مائده می‌گوید: «کمک‌های دوستان و هزینه‌های شخصی خودمان جمع می‌کنیم و در روزهای اربعین خرج می‌کنیم.» این روایت نشان‌دهنده عمق تعهد فردی و خانوادگی در تأمین منابع موکب‌هاست.

### نحوه آشنایی اعضای موکب

نقش عشیره: شبکه داوطلبان و خادمان در موکب‌های عراقی معمولاً از اعضای یک خانواده، عشیره یا محله تشکیل می‌شود. بسیاری از مبت‌ها همان خانه‌های شخصی‌اند که برای پذیرایی از زائران آماده می‌شوند. هانیه توضیح می‌دهد: «همه فامیل و یک خانواده هستیم. همه آن‌ها خواهران و زن‌برادرهای من هستند.» این روایت نشان می‌دهد که خدمت‌رسانی در عراق بیشتر یک پروژه خانوادگی است. زنان نیز گاه محدودیت‌هایی برای حضور در موکب دارند و اگر نتوانند در موکب فعالیت کنند، در خانه‌های خویشاوندان به کمک می‌آیند. معصومه می‌گوید: «من در خانه کار می‌کنم. مادرم هم به کمک می‌آید. زن‌برادرم همچون شوهرش اجازه نمی‌دهد در موکب کار کند، به کمک من می‌آید.»

اجتماعی محله‌ای: عطیه نیز بر همبستگی محلی تأکید دارد: «ما همه از یک منطقه هستیم.» زکیه روایت دیگری از پیوندهای دوستی دارد: «از طریق دوستی و آشنایی با پسران مدیر موکب که از دوستان شوهرم هستند، من با همسرم آدمم خدمت کنم.» در مواردی استثنایی، زنان بدون پیوند خانوادگی یا محلی قبلی نیز با ثبت‌نام وارد خدمت می‌شوند. اسرا می‌گوید: «شنیدم موکب هست که در روزهای اربعین در مسیر پیاده‌روی خدمات ارائه می‌دهد، رفتم ثبت‌نام کردم.» بنابراین، آشنایی خانوادگی و محلی مهم‌ترین زمینه شکل‌گیری موکب‌های عراقی است و فراخوان عمومی نقش فرعی دارد.

### نحوه تقسیم کار و سازمان‌دهی نقش‌ها

تقسیم کار در موکب‌های عراقی ویژگی‌های خاصی دارد. یکی از تفاوت‌های بارز با موکب‌های ایرانی، مشارکت زائران در خدمت‌رسانی است. تمرکز اصلی در فعالیت زنان عراقی متمرکز بر اسکان و تغذیه اعم از تهیه و توزیع غذا تا آماده‌سازی وسایل خواب و استراحت و نظافت مکوب و مبت است. در عراق، زائران به‌ویژه زنان ایرانی حاضر در مسیر، در توزیع غذا، آماده‌سازی وسایل خواب یا نظافت مشارکت می‌کنند. هانیه می‌گوید: «خادم خانم نداریم و برای پذیرایی از خانم‌ها یا هر خدمت دیگری از زائران خانم استفاده می‌کنیم.» این همکاری مرز میان زائر و خادم را کمرنگ کرده و نوعی همدلی بین زنان ایرانی و عراقی ایجاد می‌کند.

در تقسیم کار داخلی، دو الگو دیده می‌شود. در برخی موکب‌ها وظایف مشخص و شیفت بندی دقیق وجود دارد. زکیه توضیح می‌دهد: «در توزیع غذا خواهرانی داریم. بچه‌های توزیع غذا جدا هستند. بچه‌های اسکان هم جدا هستند. شیفتهی کار می‌کنند و نوبتشان را با هم عوض می‌کنند.» نجمه نیز به نقش مدیریتی خود اشاره می‌کند: «من تعیین می‌کنم که چه کسی چه کاری انجام دهد و چه چیزی بیزد.» در مقابل، برخی موکب‌ها تقسیم کار سیال دارند و همه اعضا در کنار همکار می‌کنند. اسرا می‌گوید: «همه با

همکار می‌کنیم. این‌طور نیست که هرکسی کار خاصی انجام دهد. یک‌بار این آشپزی می‌کند و یک‌بار نفر دیگر.» سنا نیز همین الگو را تأیید می‌کند: «همه با همکار می‌کنیم و تقسیم کار مشخصی نداریم.»

سازمان‌دهی مردانه: برنامه‌ریزی در موبک‌ها نیز گاه توسط مردان انجام می‌شود. سلما می‌گوید: «آقایان بین خودشان برنامه‌ریزی می‌کنند. برنامه‌ریزی با ما نیست.» اما در مواردی زنان مسئولیت کامل را برعهده دارند. نجمه روایت می‌کند: «زمین موبک متعلق به مادرم است که برادرم آن را ساخت. الان من مسئول موبکم و زن برادرم و دختردایی‌هایم هم اینجا کار می‌کنند.» این روایت نشان می‌دهد که زنان نیز می‌توانند نقش محوری در تأسیس و اداره موبک داشته باشند. در برخی موارد نیز زنان خودشان برنامه‌ریزی و تأمین مالی بخش زنان را انجام می‌دهند. زکیه می‌گوید: «ما خانم‌ها بین خودمان برنامه‌ریزی می‌کنیم و پول جمع می‌کنیم و چیزهایی که مربوط به کارمان یا خانم‌هاست، می‌خریم.» در مجموع، دو الگوی تقسیم کار مشخص و سیال در موبک‌های عراقی دیده می‌شود و مشارکت زائران ویژگی متمایز آن‌هاست. سنا در این زمینه می‌گوید: «فرقی ندارد. همه با هم خدمت می‌کنیم. ما خوشحال می‌شویم خانم‌های ایرانی بیایند و در موبک به ما کمک کنند.»

### انگیزه فرد از خدمت

انگیزه اصلی زنان عراقی در خدمت‌رسانی را می‌توان در یک واژه خلاصه کرد: «حب الحسین». این عشق به امام حسین (ع) با درک عمیق از رنج خاندان او و به‌ویژه حضرت زینب (س) همراه است. در کنار این عشق، نوعی احساس تکلیف تاریخی و حتی احساس گناه نیز وجود دارد؛ گویی زنان امروز خود را شریک در تقصیر کسانی می‌دانند که در سال ۶۱ هجری امام حسین را تنها گذاشتند. زکیه می‌گوید: «انقلاب امام حسین را ادامه دهیم. مسیر حضرت زینب را ادامه دهیم. احساس تقصیر و گناه در انقلاب امام حسین (ع) می‌کنیم.»

در کنار این احساس تکلیف، شوق و محبت ایجابی به امام حسین محرک اصلی خدمت است. عطیه می‌گوید: «ذوق و شوقی که در این خدمت وجود دارد، همه را به این خدمت می‌کشاند. ما همه کوچک و بزرگ خادم سیدالشهدا امام حسین هستیم و هیچ‌وقت از خدمت سیر نمی‌شویم.» رقیه نیز انگیزه خود را چنین بیان می‌کند: «برای دلداری به حضرت زینب می‌آییم. خدمت ما برای امام حسین است.» این روایت نشان می‌دهد که خدمت‌رسانی برای زنان عراقی نه‌تنها وظیفه‌ای دینی بلکه نوعی همدلی با حضرت زینب و تلاش برای تسلا‌ی خاطر اوست.

انگیزه دیگر امید به شفاعت امام حسین در روز جزاست. زکیه می‌گوید: «خدمت و عشق به امام حسین و زائرانش باعث شده. ما شفاعت امام حسین می‌خواهیم و امید به شفاعتشان در آخرت داریم.» این امید، خدمت‌رسانی را به یک سرمایه معنوی برای آخرت بدل می‌کند.

زنان عراقی علاوه بر انگیزه‌های معنوی و تاریخی، در خدمت‌رسانی به زائران اربعین نوعی احساس افتخار و هویت جمعی را تجربه می‌کنند. برای آنان، خدمت به زائران نه‌تنها یک وظیفه دینی بلکه بخشی از بازنمایی هویت شیعی و عراقی است. این خدمت‌رسانی به‌ویژه پس از سقوط صدام و آزادی برگزاری مراسم اربعین، به نمادی از مقاومت و بازسازی اجتماعی تبدیل شده است. بسیاری از زنان تأکید کرده‌اند که حضورشان در موبک‌ها ادامه همان راهی است که مادران و مادر بزرگان‌شان در شرایط سخت گذشته آغاز کرده بودند.

این انگیزه‌ها با دعا و آرزو برای استمرار خدمت در سال‌های آینده همراه است. زنان عراقی خادم اربعین غالباً در پایان هر مراسم، از خداوند طلب عمر و توان جسمی و مالی می‌کنند تا بتوانند سال بعد نیز در این مسیر حاضر باشند. رقیه با شور و اشتیاق می‌گوید:

«شور و نشاطمان بیشتر و بیشتر شده. دوست داریم قدرت و توان بیشتری داشته باشیم تا بیشتر بتوانیم خدمت کنیم. من بیمار می‌روم حرم امام حسین (ع) گریه و التماس می‌کنم که به من توان بده باز هم به زائران خدمت کنم.» این بیان نشان می‌دهد که خدمت‌رسانی برای آنان نه یک وظیفه موقت، بلکه یک رسالت مستمر است.

در کنار این شوق، ترس محروم شدن از توفیق خدمت نیز وجود دارد. بسیاری از زنان نگران‌اند که توان جسمی یا شرایط اجتماعی مانع حضورشان در سال‌های آینده شود. زکيه در این باره می‌گوید: «بیشتر از الان برای سال‌های آینده اشتیاق دارم. می‌ترسم که این خدمات قطع شود.» این ترس، خود نشان‌دهنده عمق وابستگی عاطفی و معنوی آنان به خدمت در اربعین است. به‌طور کلی، سپهر عراقی در خدمت‌رسانی زنان عراقی را می‌توان در سه محور اصلی خلاصه کرد: نخست، «ماهیت خانوادگی و عشیره‌ای موکب‌ها» که موجب می‌شود تأمین هزینه‌ها و جذب نیرو عمدتاً از طریق شبکه‌های شخصی و محلی انجام گیرد. دوم، «تقسیم کار سیال و مشارکت زائران» که ویژگی بارز موکب‌های عراقی است و مرز میان زائر و خادم را کمرنگ می‌سازد. سوم، «انگیزه‌های معنوی و تاریخی» که در قالب حب الحسین، دلداری حضرت زینب، احساس تکلیف تاریخی و امید به شفاعت امام حسین تجلی می‌یابد.

این سه محور در کنار هم نشان می‌دهند که خدمت زنان عراقی در اربعین نه تنها یک فعالیت خدماتی ساده، بلکه بخشی از بازتولید هویت دینی و اجتماعی آنان است. آنان با حضور در موکب‌ها، هم عشق خود به امام حسین را ابراز می‌کنند، هم پیوندهای خانوادگی و محلی را تقویت می‌نمایند و هم احساس مسئولیت تاریخی خود را به نمایش می‌گذارند. در این میان، نقل‌قول‌های زنان خادم به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه خدمت‌رسانی برای آنان به تجربه‌ای عمیق و چندلایه تبدیل شده است؛ تجربه‌ای که در آن عشق، وظیفه، هویت و امید به آینده در هم تنیده‌اند.

### ج- مقایسه مشارکت زنان ایرانی و عراقی در خیر دینی پیاده‌روی اربعین تفاوت در نحوه تأسیس و سازماندهی موکب‌ها

یافته‌ها نشان می‌دهد که موکب‌های ایرانی و عراقی از دو منطق اجتماعی متفاوت پیروی می‌کنند. در ایران، موکب‌ها بیشتر بر پایه ترکیب روابط غیرشخصی و سازمانی شکل می‌گیرند؛ هیئت‌های مذهبی، خیریه‌ها، شبکه‌های جهادی و حتی شرکت‌های بزرگ دولتی و نیمه‌دولتی در تأسیس و پشتیبانی موکب‌ها نقش دارند. در مقابل، در عراق موکب‌ها عمدتاً بر بنیان روابط خانوادگی، محلی و عشیره‌ای بنا شده‌اند و انسجام اجتماعی درون خانواده و قبیله پشتوانه اصلی خدمت‌رسانی است.

این تفاوت در روایت‌های مصاحبه نیز بازتاب یافته است. یک زن ایرانی از شیراز می‌گوید: «ما برای تشکیل موکب از طریق هیئت و دوستان کمک گرفتیم، بعد هم شرکت‌ها وسایل دادند.» در مقابل، یک زن عراقی تأکید می‌کند که: «هر خانواده در محله ما سهمی دارد؛ یکی غذا می‌دهد، دیگری جا برای خواب.» این دو روایت نشان می‌دهد که در ایران، سازمان‌ها و نهادهای رسمی نقش پررنگی دارند، در حالی که در عراق، خانواده و محله بنیان اصلی مشارکت است.

به تعبیر پارسونزی، این تفاوت را می‌توان با تمایز میان «عام‌گرایی سازمانی» و «خاص‌گرایی عشیره‌ای» توضیح داد. در ایران، کنش خیر دینی زنان در چارچوب نهادهای عمومی و سازمانی بازتعریف می‌شود، در حالی که در عراق، این کنش در چارچوب روابط خاص خانوادگی و محلی معنا می‌یابد.

## تفاوت در مسئولیت‌ها و نقش‌ها

زنان ایرانی و عراقی هر دو در موب‌ها نقش‌آفرینی فعال دارند، اما نوع مسئولیت‌های آنان تفاوت‌های معناداری دارد. زنان ایرانی توانسته‌اند به حوزه‌های مدیریتی و فرهنگی ورود کنند؛ آنان مسئولیت بخش خواهران، مدیریت موب، سخنرانی و فعالیت‌های فرهنگی را بر عهده دارند. در مقابل، زنان عراقی بیشتر در قالب نقش‌های سنتی خانوادگی مشارکت می‌کنند؛ مانند تهیه غذا، خدمات بهداشتی و مراقبت از کودکان.

برای نمونه، «عاطفه» از مشهد که مسئول خیریه است، می‌گوید: «من مدیر موب هستم و ۱۷ سال است در این مسیر خدمت می‌کنم.» این روایت نشان‌دهنده امکان دسترسی زنان ایرانی به نقش‌های مدیریتی است. در مقابل، یک زن عراقی می‌گوید: «من هر سال در موب خانواده‌ام غذا می‌پزم. این وظیفه ماست.» این روایت نشان‌دهنده استمرار نقش‌های سنتی زنان در عراق است. از منظر نظری، این تفاوت را می‌توان با مفهوم «تقسیم جنسیتی کار» توضیح داد. هرچند که در عراق پس از صدام، اکنون ثبات نسبی فراهم شده و استقرار نهادهای دولتی جدید امکان مشارکت بیشتر زنان در امور و مشاغل و مناصب مختلف از جمله نمایندگی مجلس و مشاغل دولتی را فراهم آورده، اما در ایران، بیش از یک قرن استقرار دولت مدرن، امکان بیشتری برای مطالبه و حضور زنان در مشاغل مهم و جایگاه‌های اجتماعی دولتی و غیردولتی را فراهم کرده است. از این رو اکنون با وجود وزرای زن، رؤسا و معاونان و مدیران کل زن در سازمان‌ها، نمایندگان مجلس زن، و هزاران زن دارای مسئولیت در بخش خصوصی و دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، زنان توانسته‌اند این تقسیم‌بندی جنسی را تا حدی بازتعریف کنند. این در حالی است که در عراق، این تقسیم‌بندی با وجود تمامی تحولات انجام شده، همچنان بر ایفای نقش‌های سنتی خانوادگی برای استوار است.

## تفاوت در انگیزه‌های خدمت

انگیزه خدمت در ایران و عراق نیز تفاوت‌های معناداری دارد. در ایران، انگیزه‌ها بیشتر بر نذر فردی، باور دینی و تجربه زیسته در شبکه‌های مذهبی استوار است. زنان ایرانی خدمت‌رسانی در اربعین را به‌عنوان کنش مذهبی و معنوی تلقی می‌کنند و آن را بخشی از بازتولید سرمایه اجتماعی و فرهنگی خود می‌دانند. در مقابل، مصاحبه با مشارکت‌کنندگان و مشاهدات میدانی از فعالیت زنان عراقی در کنار اعضای خانواده نشان می‌دهد که در عراق انگیزه‌ها، علاوه بر «عشق به امام حبّ الحسین (ع)»، بیشتر بر وفاداری به سنت‌های محلی و منزلت خانوادگی استوار است. زنان عراقی خدمت‌رسانی در موب‌ها را بخشی از منزلت اجتماعی و خانوادگی خود می‌دانند و آن را وظیفه‌ای هنجاری تلقی می‌کنند.

یک زن ایرانی از قم می‌گوید: «ما برای رضای خدا و به نیت نذر خدمت می‌کنیم». در مقابل، یک زن عراقی تأکید می‌کند: «گر خانواده ما در موب نباشد، انگار در محله کم گذاشته‌ایم». تفاوت یادشده بین دو سپهر ایرانی و عراقی را می‌توان با تمایز میان «کنش ارزشی» در اندیشه وبر و «کنش هنجاری» در اندیشه پارسونز توضیح داد. زنان ایرانی با انگیزه‌های معنوی و ارزشی وارد عرصه عمومی می‌شوند، درحالی‌که زنان عراقی علاوه بر انگیزه معنوی و ارزشی، انگیزه عمل به هنجارهای اجتماعی و خانوادگی و در نتیجه بازتولید انسجام اجتماعی هم اهمیت ویژه دارد.

## نقاط اشتراک

با وجود این تفاوت‌ها، زنان ایرانی و عراقی در یک نقطه مشترک‌اند: هر دو گروه مشارکت خود را به‌عنوان کنش خیر دینی و خدمت به زائران تلقی می‌کنند. آنان با حضور در موب‌ها نه‌تنها به وظیفه دینی خود عمل می‌کنند، بلکه انسجام اجتماعی و فرهنگی جامعه

خود را نیز تقویت می‌کند. این اشتراک نشان می‌دهد که مشارکت زنان در خیر دینی اربعین، فارغ از تفاوت‌های ساختاری و فرهنگی، بخشی از بازتولید هویت دینی در دو جامعه است.

## د- چالش‌ها و انتظارات

یافته‌های میدانی نشان می‌دهد که زنان در هر دو سپهر ایرانی و عراقی با مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری، فرهنگی و نهادی مواجه‌اند. پیش از همه باید به محدودیت در دسترسی به منابع مالی مستقل برای فعالیت زنان اشاره داشت. بخش مهمی از بودجه و امکانات موکب‌ها از طریق شبکه‌های مردانه یا سازمان‌های رسمی تأمین می‌شود. زنان در بسیاری از موارد امکان مدیریت مستقل منابع مالی را ندارند و این امر موجب می‌شود نقش آنان در تصمیم‌گیری‌های کلان موکب محدود شود. «سمانه» در مصاحبه‌ای اشاره می‌کند: «کمک‌های مردمی کم داریم، بیشتر هزینه‌ها را خانوادگی تأمین می‌کنیم». این روایت نشان‌دهنده وابستگی زنان به شبکه‌های خانوادگی و محدودیت آنان در جذب منابع مستقل است. علاوه بر وابستگی در تأمین مالی، وابستگی به شبکه‌های مردانه در تصمیم‌گیری‌ها نیز موجب محدودیت‌هایی برای زنان می‌شود.

همان‌طور که در بخش تقسیم کار و سازمان‌دهی نقش‌ها در سپهر ایرانی اشاره شد، حتی زمانی که زنان مسئولیت‌های اجرایی یا فرهنگی را بر عهده دارند، تصمیمات کلان توسط مردان اتخاذ می‌شود. این وضعیت استمرار الگوهای مردسالارانه در ساختارهای دینی و اجتماعی را نشان می‌دهد. «ثریا» که مدیر موکب و معاون فرهنگی حوزه علمیه خواهران است، می‌گوید: «ما مسئولیت فرهنگی [در موکب] را داریم، اما تصمیم‌های اصلی را آقایان می‌گیرند؛ بنابراین اگرچه زنان در فعالیت‌های خدماتی و فرهنگی حضور پررنگی دارند، اما نقش آنان در حوزه‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری کمتر به رسمیت شناخته می‌شود. این مسئله موجب می‌شود مشارکت آنان در سطح نمادین باقی بماند و ظرفیت‌های واقعی آنان به طور کامل به کار گرفته نشود.

در سپهر عراقی، زنان بیشتر در قالب نقش‌های سنتی خانوادگی مشارکت می‌کنند و کمتر امکان ورود به حوزه‌های مدیریتی و فرهنگی دارند. یک زن عراقی می‌گوید: «من هر سال در موکب خانواده‌ام غذا می‌پزم. این وظیفه ماست». هرچند که برخی زنان عراقی، به‌ویژه در «مبیت» که خدمت‌رسانی در خانه خودشان است نقش محوری و مدیریت امور را در خدمت‌رسانی به زائران دارند، اما شکل غالب متفاوت است و نقل‌قول بالا، نشان‌دهنده محدودیت زنان عراقی در بازتعریف نقش‌های خود در عرصه عمومی است. در واقع هرچند زنان ایرانی نیز با محدودیت‌های جدی تصمیم‌گیری‌های کلان و اساسی و واگذاری نقش‌های مدیریتی به آن‌ها مواجه‌اند، اما زنان عراقی، فراتر از این محدودیت‌ها، هنوز در ابراز هویت کنشگرانه در عرصه عمومی خدمت‌رسانی به زائران هم محدودیت و معذوریت‌های ساختاری و فرهنگی دارند.

به تعبیر بوردیویی، در اینجا «ساختارهای محدودکننده» در جایی که میدان دینی و اجتماعی قواعد خاص خود را دارد، «زنان کنشگر اربعینی» را در چارچوب‌های خاصی محدود می‌کند و امکان بروز کامل ظرفیت‌های آنان را کاهش می‌دهد.

\*\*\*

باتوجه به چالش‌ها و محدودیت‌های یادشده، زنان ایرانی و عراقی انتظارات خاصی را بیان کرده‌اند. زنان، به‌ویژه زنان ایرانی انتظار دارند نقش مدیریتی و فرهنگی آنان به رسمیت شناخته شود. آنان خواهان آن هستند که مشارکتشان در موکب‌ها نه تنها در سطح خدماتی، بلکه در سطح مدیریتی و تصمیم‌گیری نیز مورد توجه قرار گیرد. «عاطفه» که مدیر موکب است، می‌گوید: «سال‌هاست موکب را اداره می‌کنم، اما هنوز نگاه‌ها به زنان به‌عنوان مدیر جدی نیست». این انتظار نشان‌دهنده تلاش زنان ایرانی برای بازتعریف نقش خود در عرصه عمومی دینی و اجتماعی است.

هرچند که امکان حضور دخترپچه‌ها و کودکان ایرانی برای خدمت به زائران چندان فراهم نیست، اما زنان و دختران ایرانی تا جایی که می‌توانند با حضور خود در میدان «خیر دینی در پیاده‌روی اربعین»، تلاش می‌کنند تا به طور عملی مخالفت خود را با این گزاره که «اربعین جای زنان نیست.» ابراز کنند. آن‌ها معتقدند که اگر هم دشواری و کمبود در امکانات حمل‌ونقل، اسکان و امنیت زنان در مسیر پیاده‌روی اربعین وجود دارد، اما همه این موانع باید برطرف شود و حضور و مشارکت زنان ایرانی، چه در پیاده‌روی و چه در انجام امور خیر و خدمت‌رسانی به زائران، افزایش یابد تا آنان بدون دغدغه به زیارت، پیاده‌روی یا انجام فعالیت‌های خیر داوطلبانه بپردازند.

زنان ایرانی و عراقی کنشگر در میدان پیاده‌روی اربعین، خواهان فراهم‌شدن زمینه‌های نهادی و فرهنگی برای بروز کامل ظرفیت‌هایشان در خدمت‌رسانی هستند. آنان انتظار دارند ساختارهای دینی و اجتماعی به‌گونه‌ای تغییر کند که مشارکت آنان در خیر دینی به طور کامل به رسمیت شناخته شود و ظرفیت‌های واقعی آنان به کار گرفته شود.

## ۷. نتیجه‌گیری

حضور کنشگرانه زنان در پیاده‌روی اربعین را می‌توان در دو سپهر متمایز، عراقی و ایرانی، بررسی کرد. سپهر عراقی قدمتی طولانی دارد و زنان در آن از دیرباز نقش‌های تثبیت‌شده‌ای در خدمت‌رسانی به زائران ایفا کرده‌اند. در چارچوب نظام عشیره‌ای و فرهنگ شیعی عراق، زنان عراقی همواره در آماده‌سازی غذا، پذیرایی و فراهم‌کردن محل استراحت و اقامت زائران مشارکت داشته‌اند. این نقش‌ها معمولاً در پیوند با خانواده و همراهی فرزندان و همسران شکل گرفته و به‌ویژه پس از سقوط حکومت صدام و احیای آزادانه مراسم اربعین، به نمادی از مهمان‌نوازی خالصانه و ابراز محبت به اهل‌بیت تبدیل شده است. در سال‌های اخیر، برخی زنان تحصیل‌کرده و متخصص نیز به کادرهای پزشکی و سلامت پیوسته‌اند و در موکب‌های درمانی و سیار نقش‌آفرینی کرده‌اند. بدین‌سان، زنان عراقی را می‌توان میزبانان اولیه و بانیان خیر دینی در اربعین دانست که حضورشان در این آیین، استمرار تاریخی و فرهنگی دارد.

در مقابل، سپهر ایرانی سابقه‌ای کوتاه‌تر دارد. از اوایل دهه ۱۳۸۰ و با گشایش امکان حضور آزادانه ایرانیان در عراق، زنان ایرانی نیز به تدریج وارد عرصه خدمت‌رسانی شدند. ابتدا حضور آنان محدود بود، اما با افزایش جمعیت زائران و گسترش موکب‌ها، زنان توانستند در کنار زیارت، در فعالیت‌های خدماتی نیز مشارکت کنند. طی سال‌های اخیر این حضور پررنگ‌تر شده و اکنون بخش مهمی از فعالیت‌ها در موکب‌های ایرانی با مشارکت یا مدیریت زنان انجام می‌شود؛ حتی برخی موکب‌ها به طور کامل توسط زنان اداره می‌شوند. این تحول را باید در پیوند با تغییرات اجتماعی سه دهه اخیر در ایران دید؛ زنانی که در عرصه‌های مدیریتی، تخصصی و فرهنگی نقش‌آفرین شده‌اند، اکنون در میدان مناسکی نیز مطالبه‌گر حضور فعال‌اند. آنان فراتر از تقسیم کارهای جنسیتی سنتی، در حوزه‌های اسکان، تغذیه، خدمات به مادران و کودکان، مشاوره، آموزش فرهنگی و تبلیغی و امور رسانه‌ای حضوری جدی دارند و در بسیاری موارد کارآمدتر از مردان عمل می‌کنند.

با این حال، محدودیت‌هایی همچنان وجود دارد. زنان ایرانی خادم موکب‌ها غالباً بر این باورند که برخی فعالیت‌ها که موجب اختلاط نامناسب یا حضور پرتحرک در انظار عمومی می‌شود، با شأن زنانه سازگار نیست. اما درعین حال بخشی از آنان معتقدند که زنان می‌توانند هر فعالیتی را جز موارد ممنوع شرعی انجام دهند. این گروه خواستار رفع موانع امنیتی، بهداشتی و فراهم‌کردن فضای مناسب برای اسکان و استقرار زنان خادم هستند و بر ضرورت بازنمایی تصویر زن ایرانی خادم در سطح ملی و بین‌المللی تأکید دارند. نقد اصلی آنان متوجه سیاست‌های جاری است که با غلبه نگاه مردانه، مشارکت زنان را محدود می‌سازد و اربعین ایرانی را به‌مثابه

«اربعین مردانه» بازنمایی می‌کند. در برابر این نگاه، زنان ایرانی کنشگر نوعی «مطالبه و مقاومت» را شکل داده‌اند؛ مقاومتی که نه در عرصه سیاسی داخلی، بلکه در بستر مناسکی و دینی بروز یافته و بر ضرورت نقش‌آفرینی زنان در خیر دینی اربعین تأکید دارد. این مقاومت، صدای اعتراض به نابرابری‌های ساختاری و تبعیض‌های موجود در سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی مردسالارانه است و نشان می‌دهد که زنان مذهبی و عاشق امام حسین (ع) نیز در برابر فرهنگ مردانه دینی دست به کنشگری می‌زنند.

این مطالبه زنانه می‌تواند به موتور محرکی برای تأسیس و فعالیت موب‌های تماماً زنانه در سپهر ایرانی بدل شود؛ امری که در سپهر عراقی به دلیل هسته سخت‌تر فرهنگ مردسالارانه کمتر امکان‌پذیر است، اما در بلندمدت و تحت‌تأثیر ارتباطات بین فرهنگی ممکن است به تدریج رخ دهد. همان‌گونه که تغییرات فرهنگی ناشی از حضور ایرانیان در عراق خود را در زمینه‌های مختلفی، از جایگزینی استکان شیشه‌ای با لیوان کاغذی در موب‌های عراقی، تا تغییر پوشش زنان و دختران زائر عراقی نشان داده، احتمال دارد مطالبه برای نقش‌آفرینی زنان در موب‌ها نیز به سپهر عراقی سرایت کند، هرچند با سرعتی کمتر.

در نهایت باید افزود، اگر مدیران و سیاست‌گذاران اربعین در ایران با این تغییرات همراهی کنند و نگاهی نو به جایگاه زنان در مدیریت فرایندها و خدمات دینی داشته باشند، می‌توان انتظار داشت که خلاقیت، نوآوری و اثربخشی بیشتری در خدمت‌رسانی به زائران حاصل شود. اما اگر به‌رغم این مطالبه و مقاومت زنانه، هسته سخت تصمیم‌گیری مردانه در ستاد اربعین همچنان بر مدار پیشین حرکت کند، پیش‌بینی می‌شود که میدان جدیدی از چالش‌های زنان با سیاست‌های رسمی، این بار در بستری دینی و مناسکی، گشوده شود.

## منابع

- اصفهانیان، س.، خادمی، م.، و نیکویان، آ. (۱۳۹۵). *والله متمم نوره؛ کاوشی در ابعاد الهی، تمدنی و مهدوی حرکت عظیم اربعین حسینی* (۳ جلد). قم: کتاب جمکران.
- بد، م. (۱۳۹۷). فهم تجربه زیسته زائران در پیاده‌روی اربعین سال ۱۳۹۵ (بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری ابرویداد اربعین). *نشریه باغ نظر*، ۱۵ (۶۸). بازیابی از: [https://www.bagh-sj.com/article\\_81656\\_561bf94b39e8d0a001e78628f140d0c5.pdf](https://www.bagh-sj.com/article_81656_561bf94b39e8d0a001e78628f140d0c5.pdf)
- پویافر، م. (۱۳۹۷). الگوی فعالیت‌ها و تجربه خیر دینی در آیین پیاده‌روی اربعین. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- پویافر، م. (۱۳۹۷). پدیدارشناسی تجربه زیارت در میان زائران حرم رضوی. مدیریت پژوهش و برنامه‌ریزی آستان قدس رضوی، طرح پژوهشی.
- پویافر، م. (۱۳۹۷). پیاده‌روی مقدس؛ واکاوی تجربه زیارت پیاده امام رضا (ع) در آخر ماه صفر. گزارش طرح پژوهشی در آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی.
- پویافر، م. (۱۳۹۷). سنخ‌شناسی زائران اربعین؛ پیمایشی در گونه‌شناسی تجربه زیارت در آیین پیاده‌روی اربعین. طرح پژوهشی.
- پویافر، م. (۱۳۹۹). ارزیابی دیدگاه زائران پیاده‌روی اربعین در مورد مراسم سال ۱۳۹۹. انجمن علمی بین‌المللی مطالعات اربعین، کارگروه پیمایش‌ها و مطالعات تجربی (مردادماه)، طرح پژوهشی.
- پویافر، م. (۱۳۹۹). ارزیابی دیدگاه زائران پیاده‌روی اربعین در مورد مراسم سال ۱۳۹۹ (موج دوم). انجمن علمی بین‌المللی مطالعات اربعین، کارگروه پیمایش‌ها و مطالعات تجربی (مهرماه)، طرح پژوهشی.
- پویافر، م. (۱۳۹۹). خیر دینی به مثابه تجربه دینی؛ بازتعریف گونه‌های تجربه دینی با مطالعه در آیین پیاده‌روی اربعین. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۱۳ (۲)، ۸۷-۱۱۵. بازیابی از: [https://www.jicr.ir/article\\_427\\_18997733ec258a9fcfa239cc55d53363.pdf](https://www.jicr.ir/article_427_18997733ec258a9fcfa239cc55d53363.pdf)
- پویافر، م. (۱۴۰۲). آیین نیکی؛ مطالعه جامعه‌شناختی خیر دینی در آیین پیاده‌روی اربعین. اصفهان: آرما.
- پویافر، م.، و رضایی، م. (۱۴۰۰). زیارت‌های پیاده در جهان معاصر؛ نگاهی جامعه‌شناختی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- تاجبخش، غ. (۱۳۹۲). پیاده‌روی اربعین و ابعاد تربیتی آن. *مجله بصیرت و تربیت اسلامی*، ۱۷ (۵۴)، ۴۱-۶۲. بازیابی از: [http://init.jrl.police.ir/article\\_94814\\_b38ab0498aa43b008cb664eb9d7af946.pdf](http://init.jrl.police.ir/article_94814_b38ab0498aa43b008cb664eb9d7af946.pdf)
- تاجبخش، غ. (۱۳۹۹). پیاده‌روی اربعین و معنایابی کنش زیارت زائران جوان. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۳ (۲)، ۱۴۵-۱۶۸. بازیابی از: [https://www.jicr.ir/article\\_426\\_6ecbdd6ec859d284dc13885a37ce8d81.pdf](https://www.jicr.ir/article_426_6ecbdd6ec859d284dc13885a37ce8d81.pdf)
- ذکایی، م.، و اسلامی، ر. (۱۳۹۹). بازنمایی رسانه‌ای مناسک زیارت اربعین در ایران؛ سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۴ (۲)، ۱-۳۶. بازیابی از: [https://www.jicr.ir/article\\_412\\_b9228e0962a78b84f3d5d92f4faa000b.pdf](https://www.jicr.ir/article_412_b9228e0962a78b84f3d5d92f4faa000b.pdf)
- رضایی، م. (۱۳۹۶). بررسی ابعاد جامعه‌شناختی مراسم اربعین حسینی و نقش آن در تحکیم پایه‌های عقیدتی تشیع. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.
- رضوی‌زاده، ن. (۱۳۹۶). ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی در عراق (مورد مطالعه: پیاده‌روی اربعین آذر ۱۳۹۳ - عراق). *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۶ (۴). بازیابی از: [https://jisr.ut.ac.ir/article\\_65250\\_7fba059c71187c9c3897449e6fab6729.pdf](https://jisr.ut.ac.ir/article_65250_7fba059c71187c9c3897449e6fab6729.pdf)
- رضوانی تمیجانی، ص. (۱۳۹۹). گونه‌ها و ساحت‌های مشارکت جمعی در پیاده‌روی اربعین. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۳ (۲)، ۱۱۷-۱۴۳. بازیابی از: [https://www.jicr.ir/article\\_420\\_b6f0479ae87d244975439c6124592772.pdf](https://www.jicr.ir/article_420_b6f0479ae87d244975439c6124592772.pdf)
- زنگانه، م. (۱۳۹۸). بررسی کارکردهای اجتماعی پیاده‌روی اربعین. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه گلستان.
- طالبی، ح. (۱۳۹۹). پیاده‌روی اربعین به مثابه یک رسانه از دیدگاه متخصصان ارتباطات. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- فرخی، م.، و انگوتی، ز. (۱۳۹۸). دلایل حضور و مشارکت زنان ایرانی در پیاده‌روی اربعین. *نشریه مطالعات راهبردی بسیج*، ۲۲ (۸۵). بازیابی از: [https://bsrq.cuir.ac.ir/article\\_115409\\_d84823031f3ec56bf02b9ccd58fe9116.pdf](https://bsrq.cuir.ac.ir/article_115409_d84823031f3ec56bf02b9ccd58fe9116.pdf)
- فروغی، ی. (۱۳۹۹). آیین پیاده‌روی زیارت اربعین؛ روایت‌ها و سیاست‌های فرهنگی. رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی.
- فرهادی محلی، م. (۱۳۹۷). پدیدارشناسی تجربه پیاده‌روی اربعین (مورد مطالعه: کاروان ایرانی زیارتی کربلا). پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه گیلان.
- قائم‌پناه، ا. (۱۳۹۹). الزامات نهادینه‌کردن مشارکت مردمی در اربعین حسینی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شاهد تهران.
- کریمی قهپی، م. (۱۴۰۲). جای پای زینب؛ پدیدارشناسی پیاده‌روی زنان ایرانی در اربعین، پژوهشکده زن و خانواده.
- مظاهری، م. (۱۳۹۷). پیاده‌روی اربعین؛ تأملات جامعه‌شناختی. اصفهان: آرما.
- موسوی، ا. (۱۳۹۷). بررسی کیفی الگوی ابراز هویت زائران ایرانی و عراقی در آیین پیاده‌روی اربعین. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آیت‌الله بروجردی.

Berger, P. L., & Luckmann, T. (1966). *The social construction of reality*. New York: Doubleday.

Christiana, F., Dekeyser, E., & Knox, D. (2016). *To Karbala: Surveying religious Shia from Iran and Iraq*. MIT Political Science Department Research Paper.

Eade, J., & Sallnow, M. J. (1991). *Contesting the sacred: The anthropology of Christian pilgrimage*. London: Routledge.

Eliade, M. (1959). *The sacred and the profane: The nature of religion*. New York: Harcourt.

Hashemian, A., Drikvand-moghaddam, A. (2025). *Reproductive and health challenges of women pilgrims during the Arbaeen pilgrimage: A qualitative study*. *Advances in Human Resource Development and Management*, 1(1), 1-10. Retrieved from: <https://ojs.nexuspress.org/journal-ahrdm/article/view/125>

- Husein, M. (2018). A phenomenological study of Arbaeen foot pilgrimage in Iraq. *Tourism Management Perspectives*, 25, 9–19.
- Nikjoo, A., Sharifi-Tehrani, M., Karoubi, M., & Siyamiyan, A. (2020). From attachment to a sacred figure to loyalty to a sacred route: The walking pilgrimage of Arbaeen. *Religions*, 11(9), 1–16. Retrieved From: <https://www.mdpi.com/2077-1444/11/3/145>
- Rahimi, M. (2019). Reframing Arbaeen pilgrimage in Western media through a cultural translation: A framing analysis. *Society and Culture in the Muslim World*, 2(1), 45–67. Retrieved From: [https://scmw.atu.ac.ir/article\\_10140.html](https://scmw.atu.ac.ir/article_10140.html)
- Taylor, C. (2007). *A secular age*. Cambridge: Harvard University Press.
- Timothy, D. J., & Olsen, D. H. (2006). *Tourism, religion and spiritual journeys*. London: Routledge.
- Turner, V. (1974). *The ritual process: Structure and anti-structure*. Chicago: Aldine.
- Vilaça, H. (2010). Pilgrims as ecstatic believers: Contemporary religious travel. *International Sociology*, 25(2), 230–249. Retrieved From: <https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/0268580910363565>.